

حکمت نوین اسلام
موسسه

پایگاه اطلاع رسانی



www.MHekmat.ir

www.khosropanah.ir

تمامی حقوق برای موسسه حکمت نوین اسلامی محفوظ است

www.MHekmat.ir © 1386-1387

دنیا و دنیاگرایی

در نهج البلاغه

سید علی رضا ادیانی

۱۳۸۳

فهرست مطالب

عنوان صفحه

مقدمه ... پنج

درآمد سخن ... ۱

فصل اول: دنیاشناسی در نهج البلاغه ... ۵

فصل دوم: کیفیت مواجهه با دنیا ... ۳۳

سیره ی نظری امام علی (علیه السلام) در مواجهه با دنیا ... ۳۶

سیره ی عملی امام علی (علیه السلام) در مواجهه با دنیا ... ۴۶

سیره ی عملی پیامبر (صلی الله علیه وآله) در مواجهه با دنیا در کلام علی (علیه السلام) ... ۵۷

فصل سوم: تحذیر از دنیای مذموم ... ۶۳

فصل چهارم: نشانه های دنیادوستی ... ۷۵

آثار و پیامدهای دنیادوستی ... ۷۷

سیمای اهل دنیا و اهل آخرت ... ۸۲

منابع و مأخذ ... ۸۸

مقدمه

تاریخ حیات بشری همواره نقش و تأثیر مهم دین در عرصه های مختلف اجتماعی را نشان می دهد. دعوت به توحید و رهایی از اسارت و بندگی بیگانگان که مهم ترین اهداف برانگیختن پیامبران است، نه تنها در سعادت اخروی انسان که در چگونگی زیستن دنیوی نیز تأثیر فراوانی بر جای می گذارد. پرسش از چیستی دنیا و دنیاگرایی و رابطه ی آن با دین و نقش کارکردگرایانه و ساختارگرایانه ی دین بر نهادهای گوناگون دنیا، پرسشی است که از قدیم الایام ذهن بشر را مشغول ساخته و ادیان الهی و آسمانی نیز، برای تبیین این مسئله در راستای هدایت انسان ها بدان پرداخته اند.

«دنیا» در لغت از ماده ی «دُنُو» به معنای نزدیکی، یا از ریشه ی «دنی» به معنای پستی و دنائت و مرحله ی نازله از حقیقت هستی، اشتقاق یافته است .

این واژه در اصطلاح معارف اسلامی به صورت مشترک لفظی در سه معنا به کار رفته است: معنای نخست آن، همان حقایق دنیوی و این جهانی، مانند زمین و آسمان و بشر و حجر و فلک و... است که این معنا در برخی از روایات به کار رفته است. دومین معنای دنیا، دل بستن به غیر خدا و غفلت از حق تعالی، گرفتار شدن در خیالات موهوم و غافل ماندن از حقیقت مطلق است ؛ این معنا در عرفان و اخلاق به کار می رود. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، به دومین معنای دنیا اشاره می کند: «زندگی دنیا همان طور که به اعتباری لهو است، به اعتبار این که برای خود قواعدی دارد، لعب نیز هست ؛ برای این که فانی و زودگذر است ؛ هم چنان که بازی ها این طورند. عده ای از بچه ها با حرص و شور و هیجان عجیبی بازی را آغاز می کنند و خیلی زود هم، خسته و از هم جدا می شوند و همان طور که بچه ها بر سر بازی داد و فریاد راه می اندازند، پنجه به روی هم می کشند - با این که مورد نزاع آنها جز خیالاتی موهوم نیست - مردم مادی نیز بر سر بازیچه ی دنیا با یکدیگر می جنگند. دنیا بازیچه است و متاعی است که با آن تمتع می شود».

مولوی در مثنوی به تفاوت هر دو معنای دنیا پرداخته، چنین می سراید:
چيست دنیا؟ از خدا غافل بُدن *** نی قماش و نقره و میزان و زن
معنای سوم دنیا، نیازهای دنیوی است که در ترابط با دین و احکام دینی، بحث سکولاریزم یا پیوند
دین و دنیا را پدید می آورد.

نگاشته ای که پیش روی شماست، تبیین دنیا و دنیاگرایی از منظر نهج البلاغه است که محقق
فاضل، جناب حجت الاسلام آقای ادیانی به نگارش درآورده و به خوبی از عهده ی آن برآمده
است. امیدواریم که مفید واقع گردد. والسلام.

عبدالحسین

خسروپناه

حوزه ی

علمیه ی قم

درآمد سخن

بر اساس آیات کریمه ی قرآن و روایات شریفه ی معصومین (علیهم السلام)، عشق و دل بستگی به
دنیا و مظاهر فریبنده ی آن بزرگ ترین عامل لغزش و انحراف انسان از مسیر الهی و مانع اصلی
نیل به کمال و تقرب به خداوند متعال است و شاید به همین سبب باشد که معصومین (علیهم
السلام) بزرگ ترین خطا و اشتباه انسان را شیفتگی و محبت افراطی او به دنیا، به ویژه دنیای حرام
معرفی نموده و فرموده اند:

«حب الدنيا رأس کل خطیئة»؛ دوستی دنیا اساس هر خطا و گناهی است.

امام خمینی (قدس سره) راز محبت و دلبستگی انسان به دنیا را در خاکی بودن جسم و بدن انسان می داند و می فرماید:

بدان که انسان چون ولیده ی همین عالم طبیعت است و مادر او همین دنیاست و اولاد این آب و خاک است، حب دنیا در قلبش از اوّل نشو و نما مغروس است و هر چه بزرگ تر شود، این جهت در دل او نمو می کند.

اما دین اسلام که راهنمای جامع و کاملی برای سعادت دنیوی و اخروی بشر است، برنامه ها و راهکارهای مناسب را برای رهایی انسان از زنجیرها و تعلقات دنیا ارائه نموده است؛ به گونه ای که هر انسانی می تواند با درک صحیح دستورالعمل های دینی و عمل دقیق به آن، ضمن بهره مندی مطلوب از دنیا، برای رسیدن به کمال مقصود، از عواقب و آثار شوم دنیاگرایی نیز در امان بماند. خطر دنیاگرایی، حتی برای انسان های مؤمن و مجاهد، به حدی است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در روایتی می فرماید:

درهم و دینار، کسانی را که قبل از شما بودند کشت و کشنده ی شما هم آنها هستند. آثار منفی و مفاسد دنیاطلبی و دنیادوستی به قدری زیاد است که همه ی علمای اخلاق، روایات مربوط به حب دنیا را به تفصیل و با شرح و تفسیر در آثار خود بیان کرده و مؤمنان واقعی و سالکان طریق الهی را از گرایش به سوی آن نهی نموده اند.

در میان متون و منابع دینی، بیش ترین توصیف ها، هشدارها، اندازها و تحذیرها درباره ی ماهیت و حقیقت دنیا، آثار و تبعات دوستی دنیا، ویژگی های دنیا و دنیادوستان... در کتاب ارزشمند و گرانسنگ نهج البلاغه بیان شده است و این نیست مگر به خاطر ابتلا و گرفتاری مسلمانان، حتی اصحاب نامدار پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به دام های ملون و فریبنده ی دنیا؛ دام هایی که خود را به شکل کاخ های رفیع، اموال گران قیمت، زنان زیبارو و تخت های گرم و نرم ریاست، برای اولین ایمان آورندگان و مجاهدان جنگ های بدر، احد، خیبر و... به نمایش می گذاشت. آری دام هایی که در دوره ی بیست و پنج سال حکومت ناهلان و انزوای اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای مسلمانان گسترانده شد و صیدهای فراوانی را نصیب خود کرد و آنگاه که علی (علیه السلام) خلافت را به درخواست مردم به دست گرفت، با صحابه ی بزرگی مواجه شد که از ناخن پا تا فرق سر در لجنزار متعفن دنیادوستی فرو رفته بودند و حاضر نبودند عدالت علوی را برتابند. این است که سراسر نهج البلاغه، بیان درد و رنج ها و شکوه های علی (علیه السلام) از مردم زمان خود است؛ مردمی که به هیچ قیمتی حاضر به مبارزه و فداکاری نبودند و برای استنکاف از جهاد، سرما و گرما، زن و فرزند، و پیری و فرسودگی را بهانه قرار می دادند، حال آنکه مشکل آنان عشق به مظاهر فریبنده ی دنیا بود که در اعماق وجودشان ریشه دوانده بود.

خطر دنیادوستی منحصر به مردمانی خاص و محدود به زمانی خاص نیست. امروزه به علت ظهور امکانات مادی جذاب تر و بهره مندی راحت تر، تهدید دنیادوستی به مراتب بیش از گذشته است؛ از این رو، لازم دیدیم بار دیگر مروری بر شکوه ها و دردها و رنج های امام پارسایان داشته باشیم و افشاگری های آن حضرت را در رابطه با ماهیت دنیای مذموم به اطلاع شیعیان و پیروان واقعی ایشان برسانیم، تا مجاهدان دوران دفاع مقدس از آسیب ها و تهدیدهای ویرانگر و خانمان سوز دنیادوستی آگاه گردند و خود را از آن در امان بدارند و نگرانی مقام معظم فرماندهی کل قوا را مرتفع سازند که فرمودند: «من بر شما خائفم و نگرانی من از شما بر یک امر نشناخته نیست. نگرانی من برای شما از مسئله ی دنیاگرایی است؛ چرا که دنیازدگی و دنیاگرایی موجب کفر نعمت، یعنی مستی ناشی از رفاه می شود.»

البته تردیدی نیست که فضای فعلی حاکم بر جامعه ی اسلامی، و گرایش برخی از مسئولان به زندگی اشرافی و مرفهانه، تأثیر فراوانی حتی بر روحیه ی انسان های پاک و مؤمن گذاشته و آنان را به سمت تمتعات دنیوی سوق داده و از ساده زیستی و زندگی بی آرایش دور نموده است. متأسفانه باید گفت این وضعیت در نظام دینی ما و در بین برخی از مسئولان همچنان رو به تزاید و گسترش است و مطمئناً اگر جلوی این حرکت ناصواب گرفته نشود، آثار خطرناک آن دامن بسیاری از نیروهای ارزشی ما را خواهد گرفت و بسیاری را به حضور در یک مسابقه و رقابت دنیاطلبی بسیج خواهد نمود.

فصل اول:

دنیاشناسی در نهج البلاغه

۱. معنا و مفهوم دنیا

کاربرد کلمه ی دنیا، در مواضع مختلف معنا و مفهوم خاص خود را دارد. اصطلاح دنیا غالباً در معنای اصلی خود، یعنی عالم طبیعت و جهان هستی به کار می رود، همان گونه که در روایات ما از آن با عبارات «مزرعه ی آخرت»، «محل تجارت اولیای الهی» و یا «سجده گاه دوستان خدا» یاد شده است.

گاهی دنیا به معنای تعلق و دل بستگی به مظاهر دل فریب دنیا، به ویژه لذت های حرام آن به کار می رود که روایات ما به شدت آن را مذمت کرده و بی ارزش تر و پست تر از «عطسه ی بز» یا «کفش کهنه» و... دانسته اند.

آنچه در این نوشته مورد بررسی قرار گرفته دنیای مذموم است که عامل انحراف و موجب تباهی و فساد ایمان و آخرت انسان هاست.

۲. دنیای مذموم و دنیای ممدوح

حضرت امام(قدس سره) در کتاب شریف اربعین حدیث از قول محقق و محدث بی نظیر، علامه مجلسی، نقل کرده است که فرمود:

بدان آنچه از مجموع آیات و اخبار ظاهر می شود به حسب فهم ما، این است که دنیای مذموم مرکب است از یک اموری که انسان را باز دارد از اطاعت خداوند و دوستی او و تحصیل آخرت ؛ پس دنیا و آخرت با هم متقابل اند. هر چه باعث رضای خدای سبحان و قرب او شود آخرت است، اگر چه به حسب ظاهر از دنیا باشد ؛ مثلاً تجارات و زراعات و صناعاتی که مقصود از آنها معیشت عیال است، برای اطاعت امر خدا و صرف کردن آنها در مصارف خیریه و اعانت کردن به محتاجان و... و این همه از آخرت است، گر چه مردم آن را از دنیا بدانند.

و از یکی از محققان چنین نقل می فرماید:

آنچه نزدیک است و قبل از مردن، نامش دنیاست و آنچه بعد از این آید و پس از مردن، نامش آخرت است.

بنابراین، مطابق بیان علامه مجلسی(رحمهم الله) معلوم می شود که برای انسان دو دنیا وجود دارد: دنیای ممدوح و دنیای مذموم. دنیای ممدوح، دنیایی است که انسان از آن برای انسانیت، کمال و تقرب به درگاه الهی استفاده نماید.

چنان که حضرت امیرمؤمنان علی(علیه السلام) درباره ی دنیای ممدوح می فرماید:

إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ صِدْقٍ لِمَنْ صَدَقَهَا وَ دَارُ عَافِيَةٍ لِمَنْ فَهَمَ عَنْهَا وَ دَارُ غِنَى لِمَنْ تَزَوَّدَ مِنْهَا وَ دَارُ مَوْعِظَةٍ لِمَنْ اتَّعَظَ بِهَا ؛ مَسْجِدٌ أَحْبَبَ إِلَهُهُ وَ مُصَلًّى مَلَائِكَةُ اللَّهِ وَ مَهْبِطٌ وَحَى اللَّهِ وَ مَتَجَرُّ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ اِكْتَسَبُوا فِيهَا الرَّحْمَةَ وَ رِيحُوا فِيهَا الْجَنَّةَ ؛ همانا دنیا سرای راستی برای راست گویان و خانه ی تندرستی برای دنیاشناسان و خانه ی بی نیازی برای توشه گیران و سرای پند برای پندآموزان است. دنیا سجده گاه دوستان خدا، محل نماز فرشتگان الهی، فرودگاه وحی خدا و جایگاه تجارت دوستان خداست که در آن رحمت خدا را به دست آوردند و بهشت را سود بردند.

و دنیای مذموم، دنیایی است که تعلق به آن، انسان را از یاد خدا غافل می نماید ؛ چنان که حضرت صادق(علیه السلام) می فرماید:

رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ حُبُّ الدُّنْيَا ؛ اساس هر خطا و گناهی دوستی دنیاست.

در واقع اگر انس و علاقه ی انسان به دنیا زیاد شود و به آن تعلق و وابستگی شدید پیدا کند، در وقت مردن که حضرت حق جل و اعلا چنین انسانی را از محبوبش جدا می کند - العیاذ بالله - با خشم و بغض نسبت به خدای سبحان از دنیا می رود و خدا نکند که انسان به مُنِعِم و فاعل هستی بخش و مالک حقیقی خود بغض و کینه بورزد. اگر بخواهیم حب دنیا را از دل بیرون کنیم و از

خطرها و دام های آن رهایی یابیم، باید حقیقت و ماهیت دنیا را به خوبی بشناسیم ؛ آن چنان که امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ مَاءِ الْبَحْرِ كُلَّمَا شَرِبَ مِنْهُ الْعَطْشَانُ إِزْدَادَ عَطْشًا حَتَّى يَقْتُلَهُ
دریاست؛ هر چه تشنه از آن بیاشامد، تشنگی را زیاد کند تا او را بکشد.

بدین جهت فصل اول کتاب را به موضوع شناخت دنیا اختصاص می دهیم و با استمداد از خداوند سبحان و کلمات نورانی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) به آن می پردازیم:

۱. دنیا با مشقت و سختی آغاز می شود و با نابودی پایان می یابد.

حضرت علی (علیه السلام) درباره ی حقیقت دنیا می فرماید:

مَا أَصْفَى مِنْ دَارٍ أَوْلَاهَا عَنَاءٌ وَ آخِرُهَا فَنَاءٌ فِي حَلَالِهَا حِسَابٌ وَ فِي حَرَامِهَا عِقَابٌ، مَنْ أَسْتَغْنَى فِيهَا
فُتِنَ وَ مَنْ افْتَقَرَ فِيهَا حَزِنَ وَ مَنْ سَاعَاهَا فَاتَتْهُ وَ مَنْ قَعَدَ عَنْهَا وَآتَتْهُ وَ مَنْ أَبْصَرَ بِهَا بَصْرَتَهُ وَ مَنْ أَبْصَرَ
إِلَيْهَا أَعْمَتْهُ ؛ چگونه دنیا را توصیف کنم که ابتدای آن سختی و مشقت و سرانجام و پایانش نابودی
است. در حلال دنیا حساب و در حرام آن عقوبت و عذاب است ؛ کسی که در دنیا احساس بی
نیازی کند فریب می خورد و کسی که احساس فقر نماید محزون می گردد ؛ تلاش کننده ی دنیا
هرگز به آن نمی رسد و دنیا به رهاکننده ی آن روی می آورد ؛ کسی که با چشم بصیرت به آن
بنگرد او را آگاهی بخشد و آن کس که چشم به دنیا بدوزد دلش را نابینا و کور می کند.

و واضح است که کوردلی به مراتب سخت تر از کوری دیده و چشم است ؛ زیرا کور ظاهری از

مشاهده ی دنیای ظاهری محروم است، ولی کوردل از رؤیت جلال و جمال خدای سبحان بی

نصیب است. براساس این کلام حضرت علی (علیه السلام)، دنیا هم می تواند مایه ی بینایی انسان

گردد، زیرا از اثر پی به مؤثر می برد و مؤثر را می بیند ؛ و هم می تواند انسان را به خود مشغول

کند و مانع عبور دید انسان از ظاهر به باطن گردد. اگر بخواهیم به خود نمودهای زیبا عشق

بورزیم، از شناخت زیبایی حقیقی محروم خواهیم گشت. انسان تنها با عبور اندیشه از آن نمود به

کمال واقعی و باطنی می تواند به حقیقت آن پی ببرد؛ به قول شاعر:

چو گلستان جنانم طبرستان جهانم *** به روان همه مردان که روان است روانم

۲. دنیا تشنگان خود را سیراب نخواهد کرد.

امام علی (علیه السلام) در خطبه ای دیگر درباره ی حقیقت دنیا می فرماید:

أَلَا وَإِنَّ الدُّنْيَا قَدْ تَصَرَّمَتْ وَأَذْنَتْ بِانْقِضَاءِ وَتَنَكَّرَ مَعْرُوفُهَا وَأَذْبَرَتْ حَدَاءَ فَهِيَ تَحْفِزُ بِالْفَنَاءِ سُكَّانَهَا
وَتَحْدُو بِالْمَوْتِ جِيرَانَهَا وَقَدْ أَمَرَ فِيهَا مَا كَانَ حُلُوءًا وَكَدِرَ مِنْهَا مَا كَانَ صَفْوًا فَلَمْ يَبْقَ مِنْهَا إِلَّا سَمَلَةٌ
كَسَمَلَةِ الْإِدَاوَةِ أَوْ جُرْعَةً كَجُرْعَةِ الْمَقْلَةِ، لَوْ تَمَرَزَهَا الصَّادِقَانِ لَمْ يَنْفَعُ ؛ آگاه باشید که به راستی دنیا رو
به فنا و نیستی نهاده و انقراض لحظات خود را اعلام داشته است ؛ نیکی هایش که در پشت پرده

است ناشناخته مانده و با سرعت پشت کرده، می گذرد ؛ ساکنان خود را به نیستی و نابودی می کشاند و همسایگانش را به سوی مرگ می راند ؛ دنیا شیرینی خود را تلخ و صافی خود را تیره ساخته است ؛ پس، از این دنیا باقی نمانده است مگر ته مانده ای، مانند ته مانده ی ظرف آب ریخته شده، یا جرعه ای آب که با آن عطش تشنگان دنیا فرو نخواهد نشست.

آری، تغییرات دنیا آنی و فوری و بهره مندی از آن موقتی است ؛ پس چیزی که چنین است، دل بستن به آن سودی ندارد و نباید به آن دل بست و تکیه نمود که تکیه به دنیا ناشی از پندار ثبات و دوام آن است و معلوم است که مراد از دنیا، خود جهان طبیعت با آن همه قوانین و شگفتی ها و عظمت هایش نیست که نمایشگر قدرت و حکمت بالغه ی پروردگار جهان است ؛ بلکه مراد از دنیا همان گونه که حضرت امیر(علیه السلام) فرمودند، اعتباریات دنیاست که عمده ی مظاهر آن، مقام و مال است ؛ لذا انسان نباید به مقام و مال دل بسته شود ؛ چه این که مال و مقام دنیا فناپذیر است و بنا به قول خدای سبحان (ما عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَ ما عِنْدَ اللَّهِ باق) آنچه نزد ماست نابود شدنی و آنچه نزد خدای سبحان است، باقی و ماندنی است.

۳. حکومت دنیا ناپایدار و متاع آن نکبت آلود است.

حضرت علی(علیه السلام) در رابطه با خوشی های ظاهری دنیا می فرماید:

سُلْطَانُهَا دُولٌ، وَعَيْشُهَا رِنَقٌ وَعَذْبُهَا أُجَاجٌ وَحَلْوُهَا صَبْرٌ وَغَذَاؤُهَا سِمَامٌ وَأَسْبَابُهَا رِمَامٌ حَيْثُهَا بَعْرَضٍ مَوْتُ وَصَحِيحُهَا بَعْرَضٍ سَقَمٌ، مُلْكُهَا مَسْلُوبٌ وَ عَزِيْزُهَا مَغْلُوبٌ وَ مَوْفُورُهَا مَنكُوبٌ وَ جَارُهَا مَخْرُوبٌ ؛ حکومت دنیا ناپایدار، عیش و زندگانی آن تیره و تار، گواری آن شور، شیرینی اش تلخ، غذای آن زهر و اسباب و وسایل آن پوسیده است ؛ زنده اش در معرض مردن و انسان سالمش در معرض بیمار شدن است ؛ حکومت آن بر باد رفته و عزیزان آن شکست خورده، متاع آن نکبت آلود و پناه آورده ی آن غارت زده است.

۴. نابودی، رنج، دگرگونی و عبرت آموزی چهار مشخصه ی اصلی دنیاست.

امام علی(علیه السلام) در خطبه ای بلیغ و پرمحتوا دنیا را این گونه معرفی می کند:

إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ فَنَاءٍ وَ عَنَاءٍ وَ غَيْرٍ وَ عِبْرٍ فَمِنَ الْفَنَاءِ أَنَّ الدَّهْرَ مُوتِرٌ قَوْسَهُ لَا تُحْطِيءُ سِهَامُهُ وَلَا تُؤَسِّي جِرَاحُهُ ؛ يَرْمِي الْحَيَّ بِالْمَوْتِ وَ الصَّحِيحَ بِالسَّقَمِ وَ النَّاجِيَ بِالْعَطْبِ ؛ أَكِلٌ لَا يَشْبَعُ وَ شَارِبٌ لَا يَنْفَعُ وَ مِنَ الْعَنَاءِ أَنَّ الْمَرْءَ يَجْمَعُ مَا لَا يَأْكُلُ وَ يَبْنِي مَا لَا يَسْكُنُ، ثُمَّ يَخْرُجُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى لَا مَالاً حَمَلَ وَلَا بَنَاءً نَقَلَ وَ مِنَ غَيْرِهَا أَنَّكَ تَرَى الْمَرْحُومَ مَغْبُوطاً وَ الْمَغْبُوطَ مَرْحُوماً ؛ لَيْسَ ذَلِكَ إِلَّا نَعِيمًا زَلَّ وَ بُؤْسًا نَزَلَ وَ مِنَ عِبْرِهَا أَنَّ الْمَرْءَ يُشْرِفُ عَلَى أَمَلِهِ فَيَقْتَطِعُهُ حُضُورُ أَجَلِهِ فَلَا أَمَلٌ يُدْرِكُ وَلَا مَوْمَلٌ يُتْرَكُ ؛ دنیا سرای نابود شدن و رنج و تغییر و عبرت هاست. از جمله اسباب فنا و نیستی دنیا این است که روزگار تیرش را به چله ی کمان نهاده است و تیرهایش به خطا نمی رود و زخم های آن بهبودی ندارد.

زنده را با تیر مرگ هدف قرار می دهد و تندرست و انسان سالم را با بیماری از پا در می آورد و نجات یافته را به هلاکت می کشاند. دنیا، خورنده ای است که سیر نمی شود و نوشنده ای است که سیراب نمی شود و عطشش تمام نمی گردد.

از جمله اسباب رنج و سختی این است که آدمی جمع می کند چیزی را که نمی خورد و می سازد بنایی را که خود در آن مسکن نمی کند ؛ پس به سوی پروردگارش می رود و از دنیا رخت برمی بندد، در حالی که نه مالی برداشته و نه خانه ای به همراه برده است.

نشانه ی دگرگونی دنیا آن است که می بینی شخصی را که به او ترحم می کردند، امروز غبطه ی او را می خورند و آن کس را که حسرت او را می خوردند، امروز به او ترحم می کنند ؛ و این نیست مگر برای نعمت هایی که از چنگ او رفته و بلاهایی که ناگهان رسیده است.

نشانه ی عبرت انگیز بودن دنیا آن است که آدمی پس از تلاش و انتظار، تا به آرزوهایش نزدیک می شود، ناگهان مرگش فرا می رسد و امیدش را قطع می کند ؛ نه به آرزو رسیده و نه آنچه آرزو داشته باقی می ماند.

۵. نه دنیا برای انسان می ماند و نه انسان در آن جاودانه است.

امام علی(علیه السلام) در خطبه ای دیگر در وصف دنیا می فرماید:

أَلَا وَإِنَّ هَذِهِ الدُّنْيَا الَّتِي أَصْبَحْتُمْ تَتَمَوَّنُهَا وَتَرَعْبُونَ فِيهَا وَأَصْبَحَتْ تُغْضِبُكُمْ وَتُرْضِيكُمْ لَيْسَتْ بِدَارِكُمْ وَلَا مَنَزِلِكُمْ الَّذِي خُلِقْتُمْ لَهُ وَلَا الَّذِي دُعِيتُمْ إِلَيْهِ. أَلَا وَإِنَّهَا لَيْسَتْ بِبَاقِيَةٍ لَكُمْ وَلَا تَبْقُونَ عَلَيْهَا ؛ آگاه باشید که همانا این دنیا که شما آرزویش کرده و بدان علاقه دارید شما را گاهی به خشم می آورد و زمانی خشنود می سازد و منزلی نیست که برای آن آفریده و به آن دعوت شده آید ؛ آگاه باشید نه دنیا برای شما جاودانه می ماند و نه شما در آن جاودانه خواهید ماند.

حضرت امام(قدس سره) در کتاب شریف اربعین حدیث در شرح حدیث ششم چنین می فرماید: و اگر قلوب مطلع شوند که این عالم دنیا، پست ترین عوالم است و دار فنا و زوال و تصرّم و تغیر است و عالم هلاک و نقص است و عوالم دیگر که بعد از موت است، هریک باقی و ابدی و دار کمال و ثبات و حیات و بهجت و سرور است ؛ فطرتاً، حبّ آن عالم را پیدا کنند و از این عالم گریزان گردند؛ چه این که انسان فطرتاً حبّ بقا دارد و از زوال و فنا، متنفر و گریزان است.

۶. لذت های ظاهری دنیا، حقیقتی دردآور و کشنده را در درون خود دارند.

امیر مؤمنان(علیه السلام) درباره ی شناخت حقیقت دنیا می فرماید:

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنْتُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا غَرَضٌ تَتَنَصَّلُ فِيهِ الْمَنَائِمَا مَعَ كُلِّ جَرَعَةٍ شَرَقٌ وَفِي كُلِّ أَكْلَةٍ غَصَصٌ لَا تَنَالُونَ مِنْهَا نِعْمَةً إِلَّا بِفِرَاقِ أُخْرَى، وَلَا يُعَمَّرُ مُعَمَّرٌ مِنْكُمْ يَوْمًا مِنْ عُمْرِهِ إِلَّا بِهَدَمِ آخَرٍ مِنْ أَجَلِهِ وَلَا

تُجَدِّدُ لَهُ زِيَادَةً فِي أَكْلِهِ إِلَّا بِنَفَادِ مَا قَبَلَهَا مِنْ رِزْقِهِ... وَقَدْ مَضَتْ أَصُولُ نَحْنُ فُرُوعُهَا، فَمَا بَقَاءُ فَرْعٍ بَعْدَ ذَهَابِ أَصْلِهِ ؛ ای مردم، همانا شما در این دنیا هدف تیرهای مرگ هستید که در هر جرعه ای، اندوهی گلوگیر و در هر لقمه ای، استخوان شکسته ای قرار دارد. در دنیا به نعمتی جز با از دست دادن نعمت دیگر نمی رسید و از عمر سالخورده ای نمی گذرد مگر به ویرانی یک روز از مهلتی که دارد و بر خوردنی او چیزی افزوده نمی شود مگر به نابودی اثر دیگر... ریشه هایی رفتند که ما شاخه های آن هستیم، پس چگونه شاخه ها بدون ریشه ها برقرار می مانند.

مبنای دنیا چنین است که با قانون همگانی و عمومی مرگ همه ی انسان ها در کام او فرو می روند. قرآن در آیات متعدد به این حقیقت اشاره می کند و می فرماید:

(كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ)

(كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَ يَبْقَى وَجْهٌ رَبِّكَ ذُو الْجَلَلِ وَ الْإِكْرَامِ).

تمام کسانی که روی زمین هستند فانی می شوند و تنها پروردگار عالم که صاحب جلال و عظمت است باقی می ماند؛ البته روشن است که مسئله ی فنا، نه منحصر به انس و جن و نه حتی منحصر به موجودات زمینی است؛ بلکه طبق تصریح قرآن کریم (كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ)، تمام اهل آسمان ها و همه ی موجودات فانی می شوند، ولی از آنجا که دفن ساکنان زمین در میان بوده، در آیه ی ۲۶ سوره ی الرحمن آنها را مطرح کرده است و به فنای سایر موجودات در آیه ی ۸۸ سوره ی قصص اشاره فرموده است. امام علی (علیه السلام) نیز در این خطبه دنیا را به حدی بی ارزش می داند که حتی درباره ی خوردنی ها و نوشیدنی های دنیا که مورد علاقه ی انسان است می فرماید: «در هر جرعه ای، اندوهی گلوگیر و در هر لقمه ای، استخوان شکسته ای قرار دارد». وقتی نعمت های دنیا چنین اند، پس شایسته نیست که انسان به آن دل ببندد و خود را بدان مشغول سازد و از جهان آخرت که جاویدان است باز بماند.

۷. دنیا منظره ای دل فریب و سرانجامی خطرناک دارد.

امام علی (علیه السلام) در خطبه ای عجیب و شگفت آور که به خطبه ی غرّاً معروف است، درباره ی حقیقت دنیا این گونه سخن می گوید:

فَإِنَّ الدُّنْيَا رَيْقٌ مَشْرَبُهَا، رَدِغٌ مَشْرَعُهَا، يُورِقُ مِنْظَرُهَا وَيُوبِقُ مَخْبَرُهَا. غُرُورٌ حَائِلٌ وَ ضَوْءٌ أَفِلٌ وَ ظِلٌّ زَائِلٌ وَ سِنَادٌ مَائِلٌ حَتَّى إِذَا أَنْسَ نَافِرُهَا وَأَطْمَأَنَّ نَاكِرُهَا قَمَصَتْ بِأَرْجُلِهَا وَقَنَصَتْ بِأَحْبِلِهَا وَأَقْصَدَتْ بِأَسْنَمِهَا وَأَعْلَقَتْ الْمَرْءَ أَوْهَاقَ الْمَيِّتَةِ قَائِدَةً لَهُ إِلَى ضَنْكِ الْمَضْجَعِ وَوَحْشَةَ الْمَرْجِعِ وَمُعَايِنَةَ الْمَحَلِّ وَتَوَابِ الْعَمَلِ وَكَذَلِكَ الْخَلْفُ بَعَثَ السَّلْفَ لَا تُقْلِعُ الْمَيِّتَةَ اخْتِرَاماً وَلَا يَرْعَوِي الْبَاقُونَ اجْتِرَاماً يَحْتَدُونَ مِثَالاً وَيَمْضُونَ أَرْسَالاً إِلَى غَايَةِ الْإِنْتِهَاءِ وَصَيُورِ الْفَنَاءِ ؛ پس به درستی که آبشخور این دنیا تیره و چشمه سارش گل آلود، منظره اش دل فریب و آزمایش این دنیا هلاکت کننده است. فریبنده ی ناپایدار،

نوری است غروب کننده، سایه ای است زوال پذیر و تکیه گاهی است که رو به خرابی می رود. آن هنگام که نفرت دارندگان به آن انس گرفتند و به آن دل بستند و بیگانگان به آن اطمینان کردند، چونان اسب چموش پاها را بلند می کند و سواره را بر زمین می کوبد و با دام های خود آنها را گرفتار و تیرهای خود را به سوی آنان پرتاب می کند. طناب مرگ به گردن انسان می افکند و به سوی گور تنگ و بازگشتگاه وحشتناک و دیدن جایگاه همیشگی و جزای کردار می کشاند؛ و همین طور است رفتار دنیا با کسانی که در آینده می آیند و جانشینان پیشینان هستند؛ نه مرگ از نابودی انسان دست می کشد و نه بازماندگان از ارتکاب گناه دست بر می دارند و پشیمان می شوند؛ از رفتار گذشتگان پیروی می نمایند و پی در پی می گذرند تا پایان به فنا و نیستی منتهی می شود.

مرحوم علامه استاد محمدتقی جعفری (رحمه الله) در شرح و تفسیر جمله ی «يُوقُ مَنظَرُهَا» چنین می فرماید: «منظور امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نفی زیبایی که مخالف آیات قرآنی است نبوده است، بلکه می خواهد به انسان گوشزد فرماید که فعالیت گوهر بسیار با عظمت و دارای انواعی از استعدادها، که روح انسانی نامیده می شود نباید در نمودهای زیبایی های محسوس که موقت (روشنایی غروب کننده و سایه ای رو به زوال) و نسبی اند خلاصه شود، بلکه زیبایی واقعی آن است که از همه ی ابعاد و استعدادهای روح در دریافت همه ی زیبایی های هستی بهره برداری شود؛ پس دل بستن به این نمودهای ظاهری و محسوس و چشم پوشیدن از واقعیات «انسان آن چنان که هست»، «انسان آن چنان که باید»، «جهان آن چنان که هست» و «جهان آن چنان که باید مورد بهره برداری قرار گیرد»، سقوط و تباهی به دنبال خواهد داشت؛ هم چنان که علی (علیه السلام) در همین خطبه فرمودند: «و يُوقُ مَنظَرُهَا؛ آزمایش این دنیا به هلاکت می کشاند».

۸. دنیا به خشم خدا نزدیک ترین و به خشنودی خدا دورترین جایگاه است.

حضرت علی (علیه السلام) در تعریف دنیا از جانب خدای سبحان - جَلَّتْ عَظْمَتُهُ - چنین می فرماید:

وَ وَصَفَ لَكُمْ الدُّنْيَا وَأَنْقَطَاعَهَا وَزَوَالَهَا وَأَنْتَقَالَهَا فَأَعْرِضُوا عَمَّا يُعْجِبُكُمْ فِيهَا لِقَلَّ مَا يَصْحَبُكُمْ مِنْهَا أَقْرَبُ دَارٍ مِنْ سَخَطِ اللَّهِ وَأَبْعَدُهَا مِنْ رِضْوَانِ اللَّهِ فَعُضُّوا عَنْكُمْ عِبَادَ اللَّهِ عُمُومَهَا وَأَشْغَالَهَا لِمَا قَدْ آيَقَنْتُمْ بِهِ مِنْ فِرَاقِهَا وَتَصَرُّفِ حَالَاتِهَا فَاحْذَرُوا حَذَرَ الشَّفِيقِ النَّاصِحِ وَالْمُجِدِّ الْكَادِحِ وَاعْتَبِرُوا بِمَا قَدْ رَأَيْتُمْ مِنْ مَصَارِعِ الْقُرُونِ قَبْلَكُمْ. قَدْ تَزَايَلَتْ أَوْصَالُهُمْ وَزَالَتْ أَبْصَارُهُمْ وَاسْمَاعُهُمْ وَذَهَبَ شَرَفُهُمْ وَعِزُّهُمْ وَانْقَطَعَ سُورُورُهُمْ وَنَعِيمُهُمْ؛ فَبَدَلُوا بِقُرْبِ الْأَوْلَادِ فَقَدَهَا وَبِصُحْبَةِ الْأَزْوَاجِ مُفَارَقَتَهَا لَا يَتَفَاخَرُونَ وَلَا يَتَنَاسَلُونَ وَلَا يَتَزَاوَرُونَ وَلَا يَتَحَاوَرُونَ؛ و خدای سبحان دنیا و بی اعتمادی آن و نابود شدن و دگرگونی آن را برای شما تعریف کرد. پس، از آنچه در دنیا شما را به شگفتی و تعجب وامی دارد

روی گردانید؛ زیرا مدت کوتاهی در آن اقامت دارید. دنیا به خشم خدا نزدیک ترین و از خشنودی خداوند دورترین جایگاه است؛ پس، از غم، اندوه و سرگرمی های دنیا چشم پوشانید، چرا که شما به جدایی و دگرگونی های امور دنیایی یقین دارید و چونان دوست مهربانی که نصیحت گر و کوشا، برای نجات رفیقش تلاش کند، خویشتن را از دنیا دور نگه دارید و از آنچه بر گذشتگان شما رفت عبرت بگیرید که چگونه بند بند اعضای بدنشان از هم گسست و چشم و گوششان نابود و زایل گردید و شرف و شکوهشان از خاطره ها محو شد و همه ی ناز و نعمت ها و رفاه و خوشی ها پایان گرفت و نزدیکی فرزندان به دوری و از دست دادنشان و همدمی همسران به جدایی تبدیل شد، دیگر نه به هم می نازند و نه فرزندان می آورند و نه یکدیگر را دیدار می کنند و نه در کنار هم زندگی می کنند.

تأکید امیرمؤمنان (علیه السلام) در تبیین حقیقت دنیا برای این است که دنیا سرای جاویدان نیست، بلکه فانی و محل تغییر و گذر است و انسان که فطرتاً جاودانه طلب است و حب به بقا دارد، اگر برای او یقین حاصل شود که دنیا فانی است، علاقه و دل بستگی او به دنیا کم خواهد شد و در پی تحصیل اموری بر خواهد آمد که او را به جاودانگی می رسانند و آنگاه از همین سرای فانی، خود را با اعمال نیک و صالح به سرای جاوید و سرمدی متصل می کند و زاد و توشه برمی دارد تا با افتخار به جوار رحمت حق وارد شود.

۹. دنیا به حيله گری و نیرنگ معروف است.

امیر بیان علی (علیه السلام) در فرازی دیگر از خطبه هایش درباره ی حقیقت دنیا می فرماید:

دَارٌ بِالْبَلَاءِ مَحْفُوفَةٌ وَبِالْغَدْرِ مَعْرُوفَةٌ لَا تَدُومُ أَحْوَالُهَا، وَلَا يَسْلَمُ نَزَائِلُهَا أَحْوَالٌ مُخْتَلِفَةٌ وَتَارَاتٌ مُتَصَرِّفَةٌ، الْعَيْشُ فِيهَا مَذْمُومٌ وَالْأَمَانُ مِنْهَا مَعْدُومٌ وَإِنَّمَا أَهْلُهَا فِيهَا أَغْرَاضٌ مُسْتَهْدَفَةٌ تَرْمِيهِمْ بِسِهَامِهَا وَتَغْنِيهِمْ بِجِمَامِهَا ; دنیا خانه ای است پوشیده از بلاها و معروف به حيله و نیرنگ که حالات آن ناپایدار است و مردم آن در سلامت نیستند. دارای تحولات گوناگون و دوران های رنگارنگ، زندگی در آن نكوهیده و امنیت در آن نابود است و همانا اهل دنیا همواره هدف های نشانه گرفته ای هستند که تیرهایشان را به آنها پرتاب و با مرگ آنها را نابود می کند.

۱۰. دنیا خانه ای ناامن و محل آزمایش انسان هاست.

امام (علیه السلام) در خطبه ی دیگری درباره ی ماهیت دنیا می فرماید:

أَلَا إِنَّ الدُّنْيَا دَارٌ لَا يَسْلَمُ مِنْهَا إِلَّا فِيهَا (بالزهد) وَلَا يُنْجِي بَشِيءَ كَانَتْ لَهَا ابْتِلَى النَّاسُ بِهَا فِتْنَةً فَمَا أَخَذُوهُ مِنْهَا لَهَا أُخْرَجُوا مِنْهُ وَحُسِبُوا عَلَيْهِ وَمَا أَخَذُوهُ مِنْهَا لِغَيْرِهَا قَدِمُوا عَلَيْهِ وَاقَامُوا فِيهِ فَأَنَّهَا عِنْدَ ذَوِي الْعُقُولِ كَفَىءِ الظِّلُّ بَيْنَنَا تَرَاهُ سَابِغاً حَتَّى قَلَصَ وَزَائِداً حَتَّى نَقَصَ ; آگاه باشید دنیا خانه ای است که کسی در آن ایمنی ندارد، جز آن که به جمع آوری توشه ی آخرت پردازد ؛ و از کارهای

دنیا کسی نجات نمی یابد؛ مردم به حيله ی دنیا آزمایش می شوند و آنچه از این دنیا گرفته اند از دستشان گرفته خواهد شد و برای آن محاسبه خواهند شد و آنچه در دنیا برای آخرت تهیه کرده اند به آن خواهند رسید و با آن خواهند ماند. دنیا در نظر خردمندان چونان سایه ای است که هنوز گسترش نیافته کوتاه می گردد و هنوز فزونی نیافته کاسته می گردد.

علامه جعفری (رحمه الله) در شرح و تفسیر این خطبه چنین می فرماید: «مقصود امیرالمؤمنین (علیه السلام) از جمله ی «أَلَا إِنَّ الدُّنْيَا دَارٌ لَا يُسَلَّمُ مِنْهَا إِلَّا فِيهَا وَلَا يُنْجَى بِشَيْءٍ كَانَتْ لَهَا» بیان یک قانون بسیار با اهمیت است... این قانون چنین است که برای پیش گیری از عذاب و مجازات گناهان و نتایج ناگوار فتنه ها و شرور جاری در این زندگانی دنیوی، هیچ راهی جز تحصیل آگاهی به مصالح و مفساد زندگی و اجتناب از گمراهی و انحراف و تمایل به خیرات که در همین دنیا باید انجام گیرد وجود ندارد». در ادامه می فرماید: توقع رهایی از مختصات زندگی دنیوی همان مقدار نابه جاست که کسی توقع داشته باشد در آب بیفتد ولی خیس نشود. به همین علت است که مثال نوع انسان در طبیعت، مثال ماهی در آب شناور است با این تفاوت که ماهی اگر از آب بیرون بیفتد هلاکتش حتمی است، در صورتی که انسان به علت داشتن بعد روحانی می تواند از حوض محدود طبیعت برآید و وارد اقیانوس بعد روحانی خود گردد.

ما ز بالایم و بالا می رویم *** ما ز دریایم و دریا می رویم
ما از اینجا و از آنجا نیستیم *** ما ز بیجایم و بیجا می رویم
لا اله اندر پی اش إلا الله است *** همچو لا، ما هم به إلا می رویم
قل تعالوا آیتی است از جذب حق *** ما به جذبه ی حق تعالی می رویم
کشتی نوحیم در طوفان روح *** لاجرم بی دست و بی پا می رویم
همچو موج از خود برآوردیم سر *** باز هم در خود تماشا می رویم
خوانده ای انا الیه راجعون *** تا بدانی ما کجاها می رویم
همت عالی است در سرهای ما *** از علی تا رب اعلا می رویم
۱۱. دنیادوستی، آتش حرص انسان را می افزاید.

حضرت علی (علیه السلام) در یکی از نامه های خود به معاویه، او را نسبت به دنیاپرستی هشدار می دهد و آن را عاملی می داند که موجب انحراف بسیاری از صحابه ی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و حتی سرداران بزرگی چون زبیر و طلحه شده است و می فرماید:

فَإِنَّ الدُّنْيَا مَشْغَلَةٌ عَنْ غَيْرِهَا وَ كَمْ يُصِيبُ صَاحِبَهَا مِنْهَا شَيْئًا إِلَّا فَتَحَتْ لَهُ حِرْصًا عَلَيْهَا وَ لَهْجًا بِهَا وَ كَنْ يَسْتَعْنِي صَاحِبَهَا بِمَا نَالَ فِيهَا عَمَّا كَمْ يَبْلُغُهُ مِنْهَا ; همانا دنیا انسان را به خود سرگرم می کند و از دیگر چیزها بازمی دارد. دنیاپرستان چیزی از دنیا به دست نمی آورند جز آن که دری از حرص به

رویشان گشوده می شود و آتش عشق آنان تندتر می گردد. کسی که به دنیا برسد از آنچه به دست آورده راضی و بی نیاز نمی شود.

یعنی دنیازدگان، هر چه از آن بیاشامند تشنه تر می شوند و همواره آنان را به خود مشغول می کند و تمام هم آنان را متوجه خود می کند و آنها را از پیمودن راه کمال و آبادانی جهان آخرت که دار بقا و سرای جاویدان است باز می دارد؛ لذا بی دلیل نیست که یکی از مجاهدان بزرگ، در جنگ موته، زن خود را در حضور مؤمنان طلاق می دهد و اموال خود را برای انفاق به فقرا در اختیار پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می گذارد تا در میدان جهاد دلش متوجه زن و مال نباشد و بتواند آنچه را بچنگد که قبل از به دست آوردن مال می جنگید؛ و این چنین شد.

امام (علیه السلام) برای نکوهش و تحقیر نمودن دنیا، تصویر بسیار وحشتناکی را از دنیا برای شریح قاضی ارائه می دهد، آنگاه که شنید او خانه ای به هشتاد دینار خریده است؛ امام او را احضار نمود و فرمود:

اما اگر هنگام خرید خانه به نزد من می آمدی، سندی برایت می نوشتم که برای خرید آن به درهمی یا بیش تر رغبت نمی کردی و آن سند را چنین می نوشتم: هَذَا مَا اشْتَرَى عَبْدٌ ذَلِيلٌ مِنْ مَيْتٍ قَدْ أُزْعِجَ لِلرَّحِيلِ اشْتَرَى مِنْهُ دَاراً مِنْ دَارِ الْعُرُورِ مِنْ جَانِبِ الْفَنَانِ وَحِطَّةِ الْهَالِكِينَ وَتَجْمَعُ هَذِهِ الدَّارَ خُدُودُ أَرْبَعَةٍ الْأَوَّلُ يَنْتَهِي إِلَى دَوَاعِي الْأَفَاتِ وَالْحَدُّ الثَّانِي يَنْتَهِي إِلَى دَوَاعِي الْمُصِيبَاتِ وَالْحَدُّ الثَّلَاثُ يَنْتَهِي إِلَى الْهَوَى الْمُرْدِي وَالْحَدُّ الرَّابِعُ يَنْتَهِي إِلَى الشَّيْطَانِ الْمُغْوِي؛ این خانه ای است که بنده ای خوار آن را از مرده ای آماده ی کوچ خریده است؛ خانه ای از سرای غرور که در محله ی نابودشدگان و کوچه ی هلاک شدگان قرار دارد. این خانه به چهار جهت منتهی می شود: ۱. به آفات و بلا؛ ۲. به مصیبت ها؛ ۳. به هوی و هوس های سست کننده؛ ۴. به شیطان گمراه کننده. اجمالاً از کلمات امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه استفاده می شود که حقیقت دنیا، نابودی، تغییر و تصرّم و نیستی و نابودی است؛ مگر این که دنیایی بلاغ باشد و زندگی دنیوی در مسیر حیات اخروی، که حیات معقول نامیده می شود، قرار بگیرد و این همان نوع زندگی است که پیامبران الهی و امامان معصوم (علیهم السلام) و حکمای راستین برای بشریت عرضه و تبلیغ نموده اند.

در پایان این فصل به روایت دیگری از امیرمؤمنان علی (علیه السلام) اشاره می کنیم:
الْإِمَامُ عَلِيُّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) لَمَّا رَأَى جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ وَقَدْ تَنَفَّسَ الصُّعْدَاءَ فَقَالَ: يَا جَابِرُ أَعْلَامَ تَنَفَّسَكَ؟ أَعَلَى الدُّنْيَا؟ فَقَالَ جَابِرٌ: نَعَمْ. فَقَالَ لَهُ يَا جَابِرُ مَلَأْتُ الدُّنْيَا سَبْعَةَ الْمَأْكُولِ وَالْمَشْرُوبِ وَالْمَلْبُوسِ وَالْمَنْكُوحِ وَالْمَرْكُوبِ وَالْمَشْمُومِ وَالْمَسْمُوعِ. فَالَّذُ الْمَأْكُولَاتِ الْعَسَلُ وَهُوَ بَصَقٌ مِنْ ذُبَابِهِ وَأَخْلَى الْمَشْرُوبَاتِ الْمَاءُ وَكَفَى بِبَاحْتِهِ وَسَبَاحْتِهِ عَلِيٌّ وَجِهَ الْأَرْضِ وَأَعْلَى الْمَلْبُوسَاتِ الدِّيَابِجُ وَهُوَ مِنْ

لُعَابِ دُودِهِ وَأَعْلَى الْمَنكُوحَاتِ الْبِئْسَاءُ وَهُوَ مَبَالٌ فِي مَبَالٍ وَمَثَالٌ لِمَثَالٍ وَأَنْمَا يُرَادُ أَحْسَنَ مَا فِي الْمِرْأَةِ لَا قُبْحَ مَا فِيهَا وَأَعْلَى الْمَرْكُوبَاتِ الْخَيْلُ وَهُوَ قَوَاتِلٌ وَ أَجَلُ الْمَشْمُومَاتِ الْمَسْكُ وَهُوَ دَمٌ مِنْ سُرَّةِ دَابَّةٍ وَ أَجَلُ الْمَسْمُوعَاتِ الْغِنَاءُ وَالْتَرْتَمُ وَهُوَ إِثْمٌ فَمَا هَذِهِ صِفَتُهُ لَمْ يَتَنَفَّسَ عَلَيْهِ عَاقِلٌ. قَالَ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ فَوَاللَّهِ مَا خَطَرَتِ الدُّنْيَا بَعْدَهَا عَلَى قَلْبِي ؛ امام علی (علیه السلام) جابر بن عبدالله را دید که آهی برکشید؛ فرمود: ای جابر! برای دنیا آه می کشی؟ جابر عرض کرد: آری. حضرت فرمود: ای جابر لذت های دنیا در هفت چیز است: خوردنی، آشامیدنی، پوشیدنی، آمیزشی، سوارشدنی، بوییدنی و شنیدنی. لذیذترین خوردنی عسل است، و آن آب دهان مگس باشد ؛ گواراترین آشامیدنی آب است که بر خاک روا و روان است ؛ بهترین پوشیدنی ابریشم است و آن از آب دهان کرم است و برترین هم بستر شدنی زنان اند و آن فرو رفتن مبال است در نزدیکی دو عنصر همانند، و زیباترین چیزی که در زن است از زشت ترین عنصر او خواسته می شود. بهترین سوارشدنی اسب است (مرکب است) و آن کشنده است ؛ ارزشمندترین بوییدنی مشک است و آن خون ناف حیوانی است و بهترین شنیدنی ها غنا و آواز است که آن هم گناه است ؛ پس آدم خردمند برای چیزهایی با این اوصاف هرگز آه نمی کشد. جابر بن عبدالله می گوید: به خدا سوگند، از آن زمان به بعد هرگز دنیا بر دلم خطور نکرد.

فصل دوم:

کیفیت مواجهه با دنیا

در فصل پیش برای دوری جستن از دنیای مذموم که دل بستگی و علاقه به آن منشأ تمام گناهان است، بندهایی از خطبه های امیرمؤمنان، علی (علیه السلام) در نهج البلاغه را ذکر کردیم و توانستیم تا اندازه ای ماهیت و حقیقت دنیا را از منظر آن حضرت (علیه السلام) تبیین نماییم. شاید با طرح مباحث فصل اول، برای خوانندگان محترم این سؤال پیش بیاید که چگونه باید با دنیای مذموم مواجه شویم و به عبارت دیگر، روشمان در مواجهه با دنیا چگونه باید باشد؟ در این فصل پاسخ این سؤال ها را در کلام امام پارسایان، علی (علیه السلام) در نهج البلاغه بررسی می کنیم تا راهکار صحیح مواجهه با دنیا را از دنیاشناس ترین شخصیت اسلامی پس از پیامبر (صلی الله علیه وآله) بیاموزیم. در این فصل در سه بخش به این موضوع پرداخته می شود.

۱. سیره ی نظری امام علی (علیه السلام) در مواجهه با دنیا؛

۲. سیره ی عملی آن حضرت در مواجهه با دنیا؛

۳. سیره ی عملی پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) در مواجهه با دنیا در کلام علی (علیه السلام).

سیره ی نظری امام علی (علیه السلام) در مواجهه با دنیا

۱. دنیا از تفاله های دام داران بی ارزش تر است.

فَلْتَكُنِ الدُّنْيَا فِي أَعْيُنِكُمْ أَصْغَرَ مِنْ حُثَالِهِ الْقَرْظِ وَقُرَاصِهِ الْجَلَمِ وَاتَّعِضُوا بِمَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ قَبْلَ أَنْ يَتَّعِظَ بِكُمْ مَنْ بَعْدَكُمْ وَارْفُضُوهَا ذَمِيمَةً فَإِنَّهَا قَدْ رَفُضَتْ مَنْ كَانَ أَشْغَفَ بِهَا مِنْكُمْ ؛ ای مردم باید

دنیا در چشمانتان (در نظرتان) از پر کاه خشکیده و تفاله های قیچی شده ی دام داران بی ارزش تر باشد. از پیشینیان خود پند گیرید، پیش از آن که آیندگان از شما پند گیرند ؛ این دنیای فاسد نکوهش شده را رها کنید؛ زیرا شیفتگان و مشتاقان شیفته تر از شما را رها کرده است.

۲. مهیای حرکت و کوچ کردن از دنیا باشید.

امام(علیه السلام) دنیا را همانند کاروان سرایی می داند که برای توقف موقت ساخته شده است و هر آن، باید آماده ی ترک آن بود؛ لذا می فرماید:

وَاعْمَلُوا لِلْجَنَّةِ عَمَلَهَا فَإِنَّ الدُّنْيَا لَمْ تُخْلَقْ لَكُمْ دَارَ مَقَامٍ، بَلْ خُلِقَتْ لَكُمْ مَجَازاً لَتَزَوَّدُوا مِنْهَا الْأَعْمَالَ إِلَى دَارِ الْقَرَارِ فَكُونُوا مِنْهَا عَلَى أَوْفَازٍ وَقَرَّبُوا الظُّهُورَ لِلزَّيَالِ ؛ و برای رسیدن به بهشت جاویدان، عمل و رفتار متناسب با آن انجام دهید ؛ زیرا دنیا برای زندگی همیشگی شما آفریده نشده و گذرگاهی است که باید در آن زاد و توشه ی آخرت بردارید ؛ پس با شتاب آماده ی کوچ کردن باشید و مرکب های راهوار برای حرکت مهیا دارید.

۳. از دنیا برای تهیه ی زاد و توشه ی آخرت استفاده کنیم.

امیر کلام(علیه السلام) دنیا را هدف کوردلان می داند؛ لذا می فرماید:

وَأِنَّمَا الدُّنْيَا مُتَّهَى بَصَرِ الْأَعْمَى، لَا يُبْصِرُ مِمَّا وَرَاءَهَا شَيْئاً وَ الْبَصِيرُ يَنْفُذُهَا بَصْرُهُ وَ يَعْلَمُ أَنَّ الدَّارَ وَرَاءَهَا فَالْبَصِيرُ مِنْهَا شَاحِصٌ وَ الْأَعْمَى إِلَيْهَا شَاحِصٌ وَ الْبَصِيرُ مِنْهَا مُتَزَوِّدٌ وَ الْأَعْمَى لَهَا مُتَزَوِّدٌ ؛ و همانا دنیا نهایت دیدگاه کوردلان است و آنان ماورای دنیا به چیزی نمی نگرند ؛ اما انسان آگاه، نگاهش از دنیا عبور کرده و می داند که ورای دنیا، سرای جاودان آخرت است؛ پس انسان آگاه، به دنیا دل نمی بندد و انسان

کوردل و بی بصیرت تمام توجهش به دنیاست؛ بینا از دنیا زاد و توشه برمی گیرد و نابینا برای دنیا توشه فراهم می نماید.

اساساً روش برخورد انسان ها با دنیا دو گونه است:

الف) برخی دنیا را پل و گذرگاه (الدُّنْيَا قَنْطَرَةٌ) و کشتزار جهان آخرت (الدُّنْيَا مَزْرَعَةُ الْآخِرَةِ) و سرای عبور (الدُّنْيَا دَارٌ مُمَرٌّ وَلَا دَارٌ مَقَرٌّ) می دانند و بنابراین، دنیا را مقدمه ی جهان آخرت می دانند و همه ی تلاش این دسته از انسان ها این خواهد بود که از همین دنیا زاد و توشه برای آخرت مهیا نمایند که امیرمؤمنان(علیه السلام) چنین انسان هایی را افرادی بصیر معرفی می کنند.

ب) برخی دنیا را اصیل می دانند و برای آن ارزش ذاتی قایل هستند و از آینه ی دنیا جهان آخرت را نمی بینند و تمام همت و سعیشان دنیاست. امیرمؤمنان(علیه السلام) این انسان ها را انسان هایی نابینا معرفی نموده است.

۴. به قدر ضرورت از دنیا برداشتن، بهتر از جمع کردن سرمایه ی فراوان است.

امام(علیه السلام) بهره های حرام از دنیا را بی ارزش می داند ؛ لذا با ترسیم دقیق آن، مؤمنان را در بهره گیری از دنیا این گونه سفارش می کند:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ مَتَاعُ الدُّنْيَا حُطَامٌ مُّؤَبِّيٌّ فَتَجَنَّبُوا مَرْعَاهُ فُلَعَّتْهَا أَخْطَى مِنْ طُمَأْنِينَتِهَا وَبُلْغَتُهَا أَرْكَى مِنْ تَرَوِّتِهَا حُكْمٌ عَلَى مُكْثَرٍ مِنْهَا بِالْفَاقِهِ وَ أَعْيُنَ مَنْ غَنِيَ عَنْهَا بِالرَّاحَةِ مَنْ رَاقَهُ زَبْرُجُهَا أَعْقَبَتْ نَاطِرِيهِ كَمَهَاءٍ وَمَنْ اسْتَشَعَرَ الشَّغْفَ بِهَا مَلَأَتْ ضَمِيرَهُ أَشْجَانًا لَهْنٌ رَقِصٌ عَلَى سُؤْيِدَاءٍ قَلْبِهِ هَمٌّ يَشْعَلُهُ وَ غَمٌّ يَحْزَنُهُ كَذَلِكَ حَتَّى يُؤَخِّدَ بِكَظْمِهِ فَيُلْقَى بِالْفَضَاءِ مُنْقَطِعًا أَبْهَرَاهُ هَيْئًا عَلَى اللَّهِ فَنَاؤُهُ وَ عَلَى الْأَخْوَانِ الْفَاقَةُ وَ إِنَّمَا يَنْظُرُ الْمُؤْمِنُ إِلَى يَالدُنْيَا بِعَيْنِ الْإِعْتِبَارِ وَيَقْتَاتُ مِنْهَا بِبَطْنِ الْإِضْطِرَّارِ وَ يَسْمَعُ فِيهَا بِأَذْنِ الْمَقْتِ وَ الْإِبْغَاضِ ؛ ای مردم کالای دنیا چون برگ های خشکیده و ناچیز است ؛ پس، از چراگاه آن دوری

کنید. دل کندن از دنیا بهره اش بیش تر و لذت بخش تر از اطمینان داشتن به آن است و به قدر کفایت و ضرورت از دنیا برداشتن، بهتر از جمع آوری سرمایه ی فراوان است. آن کس که از دنیا زیاد برداشت، به فقر محکوم است و آن کس که خود را از آن بی نیاز انگاشت در آسایش است و آن کس که زیور دنیا دیدگانش را خیره ساخت دچار کوردلی گردد و آن کس که به دنیا عشق ورزید و دل بسته شد، درونش پر از اندوه می شود و غم و اندوه در خانه ی دلش رقصان می گردد که از سوئی سرگرمش می سازد و از سوئی دیگر رهایش می نماید تا آنجا که راه نفس او گرفته شود (بمیرد) و رگهای حیات او قطع گردد ؛ و نابود ساختن او بر خدا آسان و به گور انداختنش به دست دوستان است ؛ و همانا مؤمن با چشم عبرت و آگاهی به دنیا می نگرد و به اندازه ی نیاز و ضرورت از دنیا برمی دارد و با خشم و نفرت به سخن دنیا گوش می دهد.

۵. با اموال دنیا چه کار دارد آن کسی که همه ی اموال او را مرگ می رباید.

حضرت علی(علیه السلام) به همه ی انسان ها می آموزد و سفارش می کند که شما برای آخرت آفریده شده اید و اموال دنیا را باید رها کنید:

فَتَزَوَّدُوا فِي أَيَّامِ الْفَنَاءِ لِأَيَّامِ الْبَقَاءِ قَدْ دُلِلْتُمْ عَلَى الزَّادِ وَأُمِرْتُمْ بِالظَّنْعِ وَحُثِّتُمْ عَلَى الْمَسِيرِ. فَإِنَّمَا أَنْتُمْ كَرَكَبٍ وَقُوفٍ، لَا يَدْرُونَ مَتَى يُؤْمَرُونَ بِالسَّيْرِ. أَلَا فَمَا يَصْنَعُ بِالدُّنْيَا مَنْ خُلِقَ لِلْآخِرَةِ وَمَا يَصْنَعُ بِالْمَالِ مَنْ عَمَّا قَلِيلٍ يُسْتَبَى عَلَيْهِ وَتَبَقَى عَلَيْهِ تَبَعْتُهُ وَحِسَابُهُ عِبَادَةَ اللَّهِ، إِنَّهُ لَيْسَ لِمَا وَعَدَ اللَّهُ مِنَ الْخَيْرِ مَتْرَكٌ وَ لَا فِيمَا نَهَى عَنْهُ مِنَ الشَّرِّ مَرْغَبٌ ؛ پس در این دنیای نابودشدنی برای زندگانی جاودان آخرت توشه

برگیرید که شما را به زاد و توشه راهنمایی کردند و به کوچ کردن از دنیا فرمان دادند و شما را برای پیمودن راه قیامت برانگیختند. همانا شما چونان کاروانیانی هستید که در جایی به انتظار مانده اند و نمی دانند در چه زمانی فرمان حرکت به آنان می دهند. آگاه باشید ؛ با دنیا چه می کند کسی که برای آخرت آفریده شده است و با اموال دنیا چه کار دارد آن کس که به زودی همه ی اموال او

را مرگ می رباید و تنها کیفر حساب رسی آن بر عهده ی او باقی می ماند! ای بندگان خدا، خیری که خدا وعده داد رها کردنی نیست، و شری که از آن نهی فرمود دوست داشتنی نیست.

۶. برای رسیدن به ناز و نعمت دنیا بر یکدیگر پیشی نگیرید.

امام علی(علیه السلام) گویا مردم را می بیند که چگونه برای رسیدن به عزت و قدرت دنیا و بهره‌وری از شهوات آن در یک مسابقه ی بی نتیجه و خسته کننده شرکت نموده اند ؛ لذا به عنوان یک ناجی دلسوز و مشفق فریاد برمی آورد که:

فَلَا تَنَافَسُوا فِي عِزِّ الدُّنْيَا وَفَخْرِهَا وَلَا تَعْجَبُوا بِزِينَتِهَا وَنَعِيمِهَا، وَلَا تَجَزَعُوا مِنْ ضَرَائِهَا وَبُؤْسِهَا،
فَإِنَّ عِزَّهَا وَفَخْرَهَا إِلَى انْقِطَاعٍ، وَإِنَّ زِينَتَهَا وَنَعِيمَهَا إِلَى زَوَالٍ، وَضَرَاءُهَا وَبُؤْسُهَا إِلَى نَفَادٍ، وَكُلُّ مَدَّةٍ
فِيهَا إِلَى انْتِهَاءٍ وَكُلُّ حَيٍّ فِيهَا إِلَى فَنَاءٍ. أَوْ لَيْسَ لَكُمْ فِي آثَارِ الْأَوَّلِينَ مُرْدَجَرٌ، وَفِي آبَائِكُمُ الْمَاضِينَ
تَبَصُّرَةٌ وَمُعْتَبِرٌ. إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ أَوْلَمْ تَرَوْا إِلَى الْمَاضِينَ مِنْكُمْ لَا يَرْجِعُونَ، وَإِلَى الْخَلْفِ الْبَاقِينَ لَا يَبْقَوْنَ
! أَوْ لَسْتُمْ تَرَوْنَ أَهْلَ الدُّنْيَا يُصْبِحُونَ وَيُمْسُونَ عَلَى أَحْوَالِ شَيْءٍ: فَمَيِّتٌ يُبْكِي وَأَخْرٌ يُعْزِي، وَصَرِيحٌ
مُتَبَلِّئٌ وَعَائِدٌ يُعَوِّدُ، وَأَخْرٌ بِنَفْسِهِ يَجُودُ، وَطَالِبٌ لِلدُّنْيَا وَالْمَوْتُ يُطَلِّبُهُ، وَعَافِلٌ وَ لَيْسَ بِمَعْقُولٍ عَنْهُ ؛
وَعَلَى آثَرِ الْمَاضِي مَا يَمْضِي الْبَاقِي ؛ پس در عزت و ناز دنیا بر یکدیگر پیشی نگیرید و فریب زینت
ها و نعمت ها را نخورید و مغرور نشوید و از رنج و سختی آن ننالید و ناشکیبا نباشید ؛ زیرا عزت
و افتخارات دنیا پایان می پذیرد و نعمت های آن رو به نابودی و زوال است و رنج و سختی آن
تمام می شود و هر مدت و مهلتی در آن به پایان می رسد و هر موجود زنده ای به سوی مرگ می
رود. آیا نشانه هایی که از زندگی گذشتگان بر جا مانده است شما را از دنیاپرستی باز نمی دارد؟ و
اگر خردمندید، آیا در زندگانی پدرانتان آگاهی و عبرت آموزی نیست؟ مگر نمی بینید که
گذشتگانتان باز نمی گردند و فرزندان شما باقی نمی مانند؟ مگر مردم دنیا را نمی نگرید که در گذر
شب و روز حالات گوناگونی دارند؟ یکی می میرد و بر او می گریند و دیگری باقی مانده است و
به او تسلیت می گویند ؛ یکی بر بستر بیماری افتاده و دیگری به عیادت او می آید و دیگری در
حال جان کندن است و دنیاطلبی در جستوجوی دنیا است و حال آن که مرگ او را می طلبد و درمی
یابد و غفلت زده ای که مرگ او را فراموش نکرده است؛ و آیندگان نیز راه گذشتگان را می پویند.

۷. به دنیا همچون زاهدان بنگرید.

علی(علیه السلام) به ما می آموزد که اگر بخواهیم از خدعه و نیرنگ دنیا در امان بمانیم و به
سلامت به سر منزل مقصود برسیم، باید با دنیا زاهدانه برخورد نماییم ؛ استاد مطهری(رحمه الله) می
فرماید:

زهد مرادف با ترک دنیا است و زاهد کسی است که تارک دنیا باشد .

امام(علیه السلام) در خطبه ای چنین توصیه می کند:

أَيُّهَا النَّاسُ انظُرُوا إِلَى الدُّنْيَا نَظَرَ الزَّاهِدِينَ فِيهَا، الصَّادِقِينَ عَنْهَا ؛ ای مردم، به دنیا چون زاهدان روی گردان از آن بنگرید.

در ادامه ی خطبه، علّت آن را بیان می کند و می فرماید:

فَإِنَّهَا وَ اللَّهِ عَمَّا قَلِيلٍ تُزِيلُ النَّاوِي السَّاكِنَ وَتَفْجَعُ الْمُتَرْفِ الْأَمِنَ ؛ لَا يَرْجِعُ مَا تَوَلَّى مِنْهَا فَادْبَرَ، وَلَا يُدْرِي مَا هُوَ آتٍ مِنْهَا فَيَسْتَظِرُّ ؛ سُرُورُهَا مَشُوبٌ بِالْحُزْنِ، وَجَلْدُ الرَّجَالِ فِيهَا إِلَى الضَّعْفِ وَالْوَهْنِ، فَلَا يَعْرِتُكُمْ كَثْرَةُ مَا يُعْجِبُكُمْ فِيهَا لِقَلَّةِ مَا يَصْحَبُكُمْ مِنْهَا ؛ زیرا به خدا سوگند دنیا به زودی ساکنان خود را از میان می برد و رفاه زدگان توانگر ایمن و نازپرورده را دردمند می کند. آنچه از دست رفت و پشت کرد هیچ گاه بر نمی گردد و آینده به روشنی معلوم نیست تا در انتظارش باشند، شادی و سرور دنیا با غم و اندوه آمیخته است و توانایی انسان به ضعف و سستی می گراید، زیبایی ها و شگفتی های دنیا شما را مغرور نسازد، زیرا زمان کوتاهی بیش دوام ندارد.

و در ادامه ی همان خطبه می فرماید:

رَحِمَ اللَّهُ إِمْرًا تَفَكَّرَ فَاعْتَبَرَ، وَاغْتَبَرَ فَابْصَرَ، فَكَأَنَّ مَا هُوَ كَائِنٌ مِنَ الدُّنْيَا عَنْ قَلِيلٍ لَمْ يَكُنْ، وَكَأَنَّ مَا هُوَ كَائِنٌ مِنَ الْآخِرَةِ عَمَّا قَلِيلٍ لَمْ يَزَلْ، وَكُلُّ مَعْدُودٍ مُنْقَضٌ، وَكُلُّ مُتَوَقَّعٍ آتٍ، وَكُلُّ آتٍ قَرِيبٌ دَانَ ؛ خدا پیامرزد کسی را که به درستی فکر کند و پند و عبرت گیرد و آگاهی یابد و اهل بصیرت شود ؛ پس به زودی خواهید دانست که آنچه از دنیا وجود داشت از آن چیزی نمانده و آنچه از آخرت است جاویدان خواهد ماند، هر چه به شمارش آید پایان پذیرد و هر چه انتظارش را می کشیدید خواهد آمد و آنچه آمدنی است نزدیک باشد.

سیره ی عملی امام علی (علیه السلام) در مواجهه با دنیا

قرآن کریم، پیامبر عظیم الشان اسلام را برای همه ی اعصار، الگو و اسوه معرفی نموده است ؛ (وَلَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...) ، تا بشریت با تأسی از آن اسوه و الگوی کامل، به کمال نهایی که همان قرب پروردگار متعال است برسد. آنچه به نقل متواتر از حضرت ختمی مرتبت پیامبر رحمت (صلی الله علیه وآله) مسلم است این است که آن حضرت درباره ی اهل بیت خود فرمود:
إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابِ اللَّهِ وَعِزَّتِي أَهْلِ بَيْتِي مَا إِنَّ تَمَسُّكُكُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا أَبَدًا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ ؛ من دو چیز گران بها را نزدتان به امانت می گذارم: کتاب خدا (قرآن مجید) و عترتم، یعنی خاندانم ؛ این دو از هم جدا نمی شوند تا این که در حوض کوثر بر من وارد شوند و مادامی که به آن تمسک جوید هرگز گمراه نشوید.

یعنی پس از من، علی و فرزندان علی (علیهم السلام) امام و هادی و اسوه و الگوی بشریت اند و قول و فعل و رفتار آنان بر مردم حجت است؛ لذا در این بخش، نگارنده سعی کرده سیره ی عملی علی (علیه السلام) را در مواجهه با دنیا از زبان خود آن حضرت بیان نماید تا نشان دهد که آن شخصیت الهی همان گونه که دنیا را شناخت با آن مواجه شد و هرگز مغلوب زیورهای متلون آن نگشت و شیرینی و چربی قدرت و مکنّت دنیا او را نفریفت. اینک بخشی از سخنان آن حضرت درباره ی نحوه ی مواجهه ی ایشان با دنیا را با رعایت اختصار بررسی می کنیم:

۱. دنیا از آب بینی بزغاله ای بی ارزش تر است.

آن حضرت درباره ی ارزش دنیا در نزد خود می فرماید:

دُنْيَاكُمْ هَذِهِ أَزْهَدَ عِنْدِي مِنْ عَفْطَةِ عَنَزٍ ; دنیای شما نزد من از آب بینی بزغاله ای بی ارزش تر است.

منظور آن حضرت از دنیای شما، حکومت بر جامعه است که اگر برای احقاق حق یا ابطال باطل نباشد، ارزش ذاتی ندارد.

۲. علی کجا و نعمت های فانی دنیا کجا!

حضرت علی (علیه السلام) در خطبه ای دیگر ضمن بی ارزش خواندن دنیا اعلام می دارد که با نعمت های زوال پذیر دنیا هیچ سر و کاری ندارد.

إِنَّ دُنْيَاكُمْ عِنْدِي لَأَهْوَنُ مِنْ وَرَقَةٍ فِي فَمِّ جَرَّادَةٍ تَقْضُمُهَا، مَا لِعَلِيٍّ وَلِنَعِيمٍ يَفْنَى ; همانا دنیای شما نزد من بی ارزش تر است از برگ درختی که در دهان ملخی است و آن را خرد می کند. علی را با نعمت های فانی چه کار!

۳. دنیای شما برای من تلخ تر از دانه ی درخت بلوط است.

حضرت علی (علیه السلام) خطاب به فرماندار بصره، عثمان بن حنیف انصاری که دعوت سرمایه داری از بصره را پذیرفت چنین می نویسد:

أَلَا وَ إِنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا يَفْتَدِي بِهِ وَيَسْتَضِيءُ بِنُورِ عِلْمِهِ أَلَا وَ إِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ اِكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطِمْرِيهِ وَ مِنْ طَعْمِهِ بِقُرْصِيهِ... فَوَاللَّهِ مَا كَنْزْتُ مِنْ دُنْيَاكُمْ تَبْرًا وَ لَا اِدَّخَرْتُ مِنْ غَنَائِمِهَا وَفَرًّا وَ لَا اُعْدَدْتُ لِبَالِي ثَوْبِي طِمْرًا وَ لَا حَزْتُ مِنْ اَرْضِهَا شَبْرًا وَ لَا اُحْدْتُ مِنْهُ إِلَّا كَقُوتِ اُتَانِ دَبْرَةَ وَ لَهِي فِي عَيْنِي اَوْهِي وَ اَوْهْنُ مِنْ عَفْصَةِ مَقْرَةَ ; آگاه باش هر پیروی را امامی است که به او اقتدا می کند و از نور دانشش روشنی می گیرد. آگاه باش که امام شما از دنیای خود به دو جامه ی فرسوده و دو قرص نان رضایت داده است...؛ پس به خدا سوگند، من از دنیای شما طلا و نقره ای نیندوخته و از غنیمت

های آن چیزی ذخیره نکرده ام ؛ بر دو جامه ی کهنه ام جامه ای نیفزودم و از زمین دنیا حتی یک وجب در اختیار نگرفتم ؛ و دنیای شما در چشم من از دانه ی تلخ درخت بلوط ناچیزتر است. در ادامه ی نامه خطاب به دنیا می نویسد:

إِيَّاكَ عَنِّي يَا دُنْيَا فَحَبْلُكَ عَلَيَّ غَارِبِكِ قَدْ أَسْأَلْتُ مِنْ مَخَالِبِكِ وَأَفَلْتُ مِنْ حَبَائِلِكِ وَاجْتَنَبْتُ
الدَّهَابَ فِي مَدَاخِصِكَ ؛ ای دنیا از من دور شو، مهارت را بر پشتت نهاده، از چنگ های تو رهایی یافته ام و از دام های تو نجات یافته و از لغزشگاه هایت دوری گزیده ام. و در ادامه، این آزادمرد جهان که به تمام معنا زاهد بود و شعار ترک دنیا، یعنی ترک لذت گری و علاقه و دل بسته بودن به مادیات را با تمام وجود در عمل مؤمنانه ی خود تحقق بخشیده بود، خطاب به دنیا به اهل دنیا هشدار می دهد و می نویسد:

أَيْنَ الْقُرُونِ الَّذِينَ غَرَرْتِهِمْ بِمَدَاعِبِكِ أَيْنَ الْأُمَمِ الَّذِينَ فَتَنْتَهُمْ بِزَخَارِفِكِ! فَهَذَا هُمْ رَهَائِنُ الْقُبُورِ وَ
مَضَامِينُ اللَّحُودِ وَاللَّهِ لَوْ كُنْتَ شَخْصًا مَرِيئًا وَقَالَ بَأْسًا لَأَقَمْتُ عَلَيْكَ حُدُودَ اللَّهِ فِي عِبَادِ غَرَرْتِهِمْ
بِالْأَمَانِيِّ وَالْأَمَمِ الْقَيْتِيهِمْ فِي الْمَهَاوِي وَ مُلُوكِ أَسْلَمْتَهُمْ إِلَى التَّلْفِ ؛ کجایند بزرگانی که به بازیچه ی خود فریبشان داده ای، کجایند امت هایی که با زر و زیور آنرا را فریفتی و گول زدی که اکنون در گورها گرفتارند و در درون لحدها پنهان شدند. به خدا سوگند، اگر دیدنی و قابل حس کردن بودی حدّ خدا را بر تو جاری می ساختم ؛ زیرا بندگان خدا را با آرزوهایت فریب داده و ملت هایی را به هلاکت افکنده و قدرتمندانی را تسلیم ساخته ای.

هَيْهَاتَ مَنْ وَطِئَ دَخْصَكَ زَلِقَ وَمَنْ رَكِبَ لُجَجَكَ غَرِقَ وَمَنْ ازورَّ عَن حَبَائِلِكَ وَفُقَّ ؛ هیهات کسی که در لغزشگاه تو قدم گذارد سقوط کرد و آن کس که به امواج تو سوار شد غرق گردید و کسی که از دام های تو رهایی یافت پیروز شد.

و بار دیگر علی (علیه السلام) در همین نامه، خطاب به دنیا می فرماید:

اغْرُبِي عَنِّي فَوَاللَّهِ لَا أَذِلُّ لَكَ فَتَسْتَنْدِلِيْنِي وَلَا أَسْأَلُ لَكَ فَتَقُوْدِيْنِي وَإِيْمُ اللَّهِ يَمِيْنًا أَسْتَشْنِي فِيهَا بِمَشِيئَةِ
اللَّهِ لَأَرْوِضَنَّ نَفْسِي رِيَاضَةً تَهْشُ مَعَهَا إِلَى الْقُرْصِ إِذَا قَدَرْتُ عَلَيْهِ مَطْعُومًا وَ تَقْنَعُ بِالْمَلْحِ مَأْدُومًا ؛ از برابر دیدگانم دور شو، سوگند به خدا رام تو نگردم که خوایم سازی و مهارم را به دست تو ندهم که هر کجا خواهی مرا بکشانی ؛ به خدا سوگند، چنان نفس خود را به ریاضت وادارم که به یک قرص نان، هرگاه ببینم، شاد شود و به نمک به جای نان خورش قناعت کند.

و در پایان نامه خطاب به عثمان بن حنیف می فرماید:

فَاتَّقِ اللَّهَ يَا ابْنَ حَنِيفٍ وَتَكْفُفْ أَقْرَاصِكَ لِيَكُونَ مِنَ النَّارِ خَلَاصِكَ ؛ ای پسر حنیف از خدا بترس و تقوای الهی را پیشه کن و به قرص های نان خودت قناعت کن، تا تو را از آتش دوزخ رهایی بخشد.

در این سخنان، امام علی (علیه السلام) راه رهایی و در امان ماندن از دام دنیا را برخوردار از دنیا و برداشت از دنیا به قدر کفایت می داند و پرهیزکاران این گونه به دنیا می نگرند ؛ لذا آن حضرت خطاب به پسر حنیف می فرماید: از خدا بترس که نتیجه ی تقوا، خلاصی از آتش جهنم است.

۴. ارزش ذاتی حکومت از کفش کهنه کمتر است.

قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبَّاسٍ دَخَلْتُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) بِذِي قَارٍ وَهُوَ يَخْصِفُ نَعْلَهُ فَقَالَ لِي مَا قِيمَةُ هَذَا النَّعْلِ فَقُلْتُ لَا قِيمَةَ لَهَا فَقَالَ (عليه السلام) وَاللَّهِ لَهِيَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ إِمْرَتِكُمْ إِلَّا أَنْ أُقِيمَ حَقًّا أَوْ أُدْفَعَ بَاطِلًا ؛ ابن عباس می گوید: در «ذی قار» (محلی است در نزدیکی شهر بصره) خدمت امیرالمؤمنین (علیه السلام) رسیدم در حالی که آن حضرت مشغول پینه زدن کفش خود بود، به من فرمود: ارزش این کفش چقدر است؟ عرض کردم: ارزشی ندارد. حضرت فرمود: به خدا سوگند، همین کفش بی ارزش، نزد من از حکومت بر شما محبوب تر است، مگر آن که با آن حکومت حقی را بر پا دارم یا باطلی را براندازم.

۵. امام و سه طلاقه نمودن دنیای حرام.

وَمِنْ خَبَرِ ضِرَّارِ بْنِ حَمْزَةَ الضَّبَّائِيِّ عِنْدَ دُخُولِهِ عَلَى مُعَاوِيَةَ وَ مَسْأَلَتِهِ لَهُ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) وَ قَالَ فَأَشْهَدُ لَقَدْ رَأَيْتُهُ فِي بَعْضِ مَوَاقِفِهِ وَ قَدْ أَرْنَحِي اللَّيْلُ سُدُولَهُ وَ هُوَ قَائِمٌ فِي مِحْرَابِهِ قَابِضٌ عَلَى لِحْيَتِهِ يَتَمَلَّمُ تَمَلُّمَ السَّلِيمِ وَ يَبْكِي بُكَاءَ الْحَزِينِ وَ يَقُولُ يَا دُنْيَا يَا دُنْيَا إِلَيْكَ عَنِّي أَبِي تَعَرَّضْتُ أُمَّ إِلَى تَشَوُّقٍ لَأَحَانَ حِينَكَ هَيْهَاتَ عُرَى غَيْرِي لَأَحَاجَةٌ لِي فِيكَ قَدْ طَلَّقْتُكَ ثَلَاثًا لَأَرْجِعَهُ فِيهَا فَعَيْشُكَ قَصِيرٌ وَ خَطْرُكَ يَسِيرٌ وَ أَمْلِكُ حَقِيرٌ آه مِنْ قَلَّةِ الزَّادِ وَ طُولِ الطَّرِيقِ وَ بُعْدِ السَّفَرِ وَ عَظِيمِ الْمَوْرِدِ ؛ و از خبر ضرار بن حمزه ی ضبائی است که چون بر معاویه وارد شد، معاویه از او درباره ی امیرالمؤمنین (علیه السلام) پرسید و ضرار گفت: گواهی می دهم که او را در یکی از عبادتگاه هایش دیدم، در حالی که شب پرده های خود را افکنده بود (شبی تار) و او در محراب ایستاده، محاسن خود را به دست گرفته بود و مثل مارگزیده به خود می پیچید و مانند مصیبت زده گریه می کرد و خطاب به دنیا می فرمود: ای دنیا، ای دنیا ؛ از من دور شو، آیا خود را به من عرضه و برای من خودنمایی می کنی؟ آیا شیفته ی من شده ای و آرزومند منی؟ مبادا آن روز که مرا بفریبی ؛ هیهات ؛ دیگری را بفریب ؛ مرا به تو نیازی نیست ؛ من تو را سه طلاقه کرده ام که رجوعی در آن نیست ؛ زیرا زندگانی در تو کوتاه و اهمیت و ارزش تو اندک و امید و آرزوی به تو حقیر و کوچک است. آه از توشه ی اندک و درازی راه و دوری سفر و عظمت روز قیامت و جایی که وارد می شویم.

۶. دنیا را به اندازه ای که ارزش دارد ببینیم.

امام(علیه السلام) برخورد خود با دنیا را این گونه بیان می کند:

أَنَا كَابُ الدُّنْيَا لَوَجْهِهَا وَقَادِرُهَا بِقَدْرِهَا وَنَاطِرُهَا بِعَيْنِهَا ; من دنیا را به رو افکنده ام و به اندازه ی خودش به آن بها داده ام و با دیده ای که سزاوار است به آن نگریسته ام.

۷. علی(علیه السلام) و اوج شناختش نسبت به دنیا.

آن حضرت می فرماید:

وَاللَّهِ لَدُنِّيَا كُمْ هَذِهِ أَهْوَنُ فِي عَيْنِي مِنْ عِرَاقٍ خَنْزِيرٍ فِي يَدِ مَجْدُومٍ ; به خدا سوگند، این دنیای شما در دیده ی من از استخوان خوکی که در دست بیماری جذامی باشد پست تر است.

۸. امام و پیراهن پشمین وصله دار.

علی(علیه السلام) می فرماید:

وَاللَّهِ لَقَدْ رَفَعْتُ مَدْرَعَتِي هَذِهِ حَتَّى اسْتَحْيَيْتُ مِنْ رَاقِعِهَا وَلَقَدْ قَالَ لِي قَائِلٌ أَلَا تَنْبِذُهَا عَنْكَ فَقُلْتُ اغْرُبْ عَنِّي فَعِنْدَ الصَّبَاحِ يَحْمَدُ الْقَوْمُ السُّرَى ; به خدا سوگند، آن قدر این پیراهن پشمین را وصله زدم که از پینه کننده ی آن شرمسارم. یکی به من گفت: آیا آن را دور نمی افکنی؟ گفتم: از من دور شو، صبحگاهان رهروان شب ستایش می شوند (آینده از آن استقامت کنندگان است).

پیراهن کهنه و وصله داری تن امام دیدند ; پس درباره ی آن با آن حضرت گفتگو کردند و

شخصی پرسید: چرا پیراهن وصله دار می پوشی؟ آن امام بزرگوار فرمودند:

يَخْشَعُ لَهُ الْقَلْبُ وَتَدِلُّ بِهِ النَّفْسُ وَيَقْتَدِي بِهِ الْمُؤْمِنُونَ إِنَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ عَدُوَانِ مُتَفَاوِتَانِ وَسَبِيلَانِ مُخْتَلِفَانِ فَمَنْ أَحَبَّ الدُّنْيَا وَتَوَلَّاهَا أَبْغَضَ الْآخِرَةَ وَعَادَاهَا وَهُمَا بِمَنْزِلَةِ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا شَبَّهَهُمَا كَلِمًا قَرِيبًا مِنْ وَاحِدٍ بَعْدَ مِنَ الْآخِرِ وَهُمَا بَعْدُ ضَرَّتَانِ ; دل با آن متواضع و نفس اماره با آن

رام می شود و مؤمنین از آن پیروی می کنند. همانا دنیا و آخرت، دو دشمن متفاوت و دو راه جدا

از یکدیگرند ; پس کسی که دنیا را دوست داشت و دنیاپرست شد و به آن دل بست و عشق

ورزید، آخرت را دشمن داشته و با آن دشمنی نموده است و آن دو همانند شرق و غرب اند که

رونده ی بین آن دو، هر چه به یکی نزدیک شود از دیگری دور می گردد و آن دو همواره به

یکدیگر زیان می رسانند.

سیره ی عملی پیامبر(صلی الله علیه وآله) در مواجهه با دنیا در کلام علی(علیه السلام)

راه و رسم زندگی پیامبر(صلی الله علیه وآله) به عنوان انسان کامل و خاتم پیامبران برای ما سرمشق و الگو است. در بیان مفصل امیرالمؤمنین(علیه السلام) آمده است:

وَلَقَدْ كَانَ فِي رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) كَافٌ لَكَ فِي الْأُسْوَةِ وَ دَلِيلٌ لَكَ عَلَى دَمِّ الدُّنْيَا وَ عَيْبِهَا وَ كَثْرَةِ مَخَازِيِبِهَا وَ مَسَاوِيِبِهَا إِذْ قُبِضَتْ عَنْهُ أَطْرَافُهَا وَ وُطِّتْ لِغَيْرِهِ أَكْنَافُهَا وَ فُطِمَ عَنْ رَضَاعِهَا وَ زَوْيَ عَنْ زَخَارِفِهَا ; سرمشق بودن پیامبر خدا برای تو کافی است و راهنما و دلیلی است برای تو در شناخت بدی ها و عیب های دنیا و فراوانی رسوایی ها و زشتی های آن. چه این که دنیا از هر سو بر پیامبر، بازداشته شده و برای غیر او گسترانده و فراهم گردیده است و آن حضرت از پستان دنیا شیر نخورده و از زیورهای آن فاصله گرفته است.

در ادامه امیر مؤمنان به ما دستور می دهد که در رابطه ی خود با دنیا از روش پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) پیروی کنیم:

فَتَأْسُ بِبَنِيكَ الْأَطْيَبِ الْأَطْهَرِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فَإِنَّ فِيهِ أُسْوَةٌ لِمَنْ تَأْسَى وَ عَزَاءٌ لِمَنْ تَعَزَى وَ أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ الْمُنَاسَى بِبَنِيهِ وَ الْمُقْتَصُّ لِأَثَرِهِ ; به پیامبر پاک و پاکیزه اقتدا کن ; زیرا آن حضرت برای کسی که بخواهد به کسی تاسی جوید سرمشق است و مایه ی فخر و بزرگی است برای کسی که خواهان بزرگواری باشد ; و محبوب ترین بندگان نزد خدای متعال کسی است که به پیامبر او تاسی جوید و از او پیروی نماید.

قَضَمَ الدُّنْيَا قَضْمًا وَ لَمْ يُعْرِهَا طَرْفًا أَهْضَمَ أَهْلَ الدُّنْيَا كَشْحًا وَ أَحْمَصُهُمْ مِنَ الدُّنْيَا بَطْنًا، عُرِضَتْ عَلَيْهِ الدُّنْيَا فَأَبَى أَنْ يَقْبَلَهَا وَ عَلِمَ أَنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَبْغَضَ شَيْئًا فَأَبْغَضَهُ وَ حَقَرَ شَيْئًا فَحَقَرَهُ وَ صَغَرَ شَيْئًا فَصَغَرَهُ وَ كَوَّلَمَ يَكُنْ فِينَا إِلَّا حُبْنَا مَا أَبْغَضَ اللَّهُ وَ رَسُوْلُهُ وَ تَعَظِيمُنَا مَا صَغَرَ اللَّهُ وَ رَسُوْلُهُ، لَكَفَى بِهِ شِقَاقًا لِلَّهِ وَ مُحَادَّةً عَنْ أَمْرِ اللَّهِ ; پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) لقمه ی دنیا را با اطراف دندان می خورد. (به اندازه ی ضرورت از دنیا برمی گرفت) و گوشه چشمی هم به دنیا نداشت، پهلوهایش از همه لاغرتر و شکمش از همه گرسنه تر بود، دنیا به او پیشنهاد و عرضه شد اما از پذیرفتن آن سر باز زد و چون دانست خدای سبحان چیزی (علاقه ی به دنیا) را دشمن می دارد، او هم آن را دشمن گرفت و چیزی را که خدا خوار شمرد او نیز خوار انگاشت و چیزی را که خدا خرد و کوچک شمرد، او هم خرد و ناچیز شمرد. اگر در ما نباشد جز دوستی آنچه خدا و پیامبرش دشمن می دارند و با ارزش شمردن آنچه خدا و پیامبرش کوچک می شمارند، همین خود برای مخالفت ما با خدا و سرپیچی از فرمانش کافی است.

امیرمؤمنان(علیه السلام) در ادامه ی این خطبه، زهد و ساده زیستی پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) را چنین بیان می فرماید:

وَ لَقَدْ كَانَ (صلى الله عليه وآله) يَأْكُلُ عَلَى الْأَرْضِ وَيَجْلِسُ جَلْسَةَ الْعَبْدِ وَيَخْصِفُ بِيَدِهِ نَعْلَهُ وَيَرْقَعُ بِيَدِهِ ثَوْبَهُ وَيَرْكَبُ الْحِمَارَ الْعَارِيَّ وَيُرْدِفُ خَلْفَهُ وَيَكُونُ السُّتْرُ عَلَى بَابِ بَيْتِهِ فَتَكُونُ فِيهِ التَّصَاوِيرُ فَيَقُولُ يَا فَلَانَةَ لِإِخْدَى أَرْوَاجِهِ غَيْبِيهِ عَنِّي فَإِنِّي إِذَا نَظَرْتُ إِلَيْهِ ذَكَرْتُ الدُّنْيَا وَ زَخَارِفَهَا ; رسول خدا (صلى الله عليه وآله) روی زمین غذا می خورد و همچون بردگان می نشست و با دست خود کفشش را می دوخت و جامه اش را وصله می زد و بر الاغ برهنه سوار می شد و پشت سر خود شخص دیگری را هم سوار می کرد. پرده ای با نقش و نگار بر در خانه اش آویخته دید؛ به یکی از همسرانش گفت: این پرده را از جلوی چشم من بردار و دور کن ؛ زیرا هر گاه به آن می نگرم، به یاد دنیا و زرق و برق آن می افتم.

آنگاه علی (علیه السلام) می فرماید:

فَأَعْرَضَ عَنِ الدُّنْيَا بِقَلْبِهِ وَ أَمَاتَ ذِكْرَهَا مِنْ نَفْسِهِ وَ أَحَبَّ أَنْ تَغِيبَ زِينَتُهَا عَنْ عَيْنِهِ لِكَيْلَا يَتَّخِذَ مِنْهَا رِيَاشًا وَ لَا يَعْتَقِدَهَا قَرَارًا وَ لَا يَرْجُوا فِيهَا مُقَامًا فَأَخْرَجَهَا مِنَ النَّفْسِ وَ أَشْخَصَهَا عَنِ الْقَلْبِ وَ غَيْبَهَا عَنِ الْبَصَرِ وَ كَذَلِكَ مَنْ أَبْغَضَ شَيْئًا أَبْغَضَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَيْهِ وَ أَنْ يُذْكَرَ عِنْدَهُ وَ لَقَدْ كَانَ فِي رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) مَا يَدُلُّكَ عَلَى مَسَاوِي الدُّنْيَا وَ غُيُوبِهَا إِذْ جَاعَ فِيهَا مَعَ خَاصَّتِهِ وَ زُوِيَ عَنْهُ زَخَارِفُهَا مَعَ عَظِيمِ زُلْفَتِهِ فَلْيَنْظُرْ نَاطِرٌ بِعَقْلِهِ أَكْرَمَ اللَّهُ مُحَمَّدًا بِذَلِكَ أَمْ أَهَانَهُ فَإِنْ قَالَ أَهَانَهُ فَقَدْ كَذَبَ - وَ اللَّهُ الْعَظِيمِ - وَ أَتَى بِالْإِفْكِ الْعَظِيمِ وَ إِنْ قَالَ أَكْرَمَهُ فَلْيَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهَانَ غَيْرَهُ حَيْثُ بَسَطَ الدُّنْيَا لَهُ وَ زَوَاهَا عَنْ أَقْرَبِ النَّاسِ مِنْهُ فَتَأَسَى مُتَأَسِّ بِنَبِيِّهِ وَ افْتَصَّ أَثَرَهُ وَ وَلَجَ مَوْلِجَهُ وَ إِلاَ فَلَا يَأْمَنُ الْهَلَكَةَ فَإِنَّ اللَّهَ جَعَلَ مُحَمَّدًا (صلى الله عليه وآله) عِلْمًا لِّلسَّاعَةِ وَ مُبَشِّرًا بِالْجَنَّةِ وَ مُنذِرًا بِالْعُقُوبَةِ خَرَجَ مِنَ الدُّنْيَا خَمِيصًا وَ وَرَدَ الْأَخِرَةَ سَلِيمًا لَمْ يَضَعْ حَجْرًا عَلَى حَجَرٍ حَتَّى مَضَى لِسَبِيلِهِ وَ أَجَابَ دَاعِيَ رَبِّهِ فَمَا أَعْظَمَ مِنْهُ اللَّهُ عِنْدَنَا حِينَ أَنْعَمَ عَلَيْنَا بِهِ سَلَفًا نَتَّبِعُهُ وَ قَائِدًا نَطَأُ عَقْبَهُ ؛ پیامبر گرامی اسلام از ته دل از دنیا روی بر تافت و نام و یاد آن را در جانش ریشه کن کرد و میراند و دوست داشت زینت و زیور دنیا از برابر چشمانش دور باشد تا از آن لباس فاخری تهیه نکند و آن را جای آرامش نداند، تا امید ماندن همیشگی در آن نداشته باشد ؛ پس دنیا را از جان خود بیرون راند و از دلش دور کرد و دل از دنیا برکند و چشم از دنیا پوشاند و چنین است کسی که چیزی را دشمن دارد ؛ از نگاه کردن به آن و از این که یاد و نام آن در حضورش برده شود نفرت دارد. در زندگانی رسول خدا (صلى الله عليه وآله) برای تو نشانه هایی است که تو را به زشتی ها و عیب های دنیا راهنمایی کند؛ چه او و نزدیکانش در دنیا همیشه گرسنه بودند و با آن که مقام و منزلت بزرگی داشت، زینت های دنیا از دیده ی او دور نگاه داشته شده بود ؛ پس هر بیننده ای با دیده ی عقل خود بنگرد که آیا خدا حضرت محمد (صلى الله عليه وآله) را به داشتن این صفت ها اکرام فرموده یا او را خوار و کوچک شمرده است؟ اگر کسی بگوید او را خوار و بی مقدار کرده، سوگند به خدای بزرگ که

دروغ گفته و بهتان بزرگی زده است و اگر بگوید او را گرامی داشته است، پس بداند خدا کسی را خوار شمرده که دنیا را برای او گسترانده و از نزدیک ترین مردم به خودش دور نگه داشته است. پس آن که خواهان پیروی است، به پیامبر خود تاسی جوید و قدم در جای گام های او گذارد، و گرنه از تباه شدن و هلاکت ایمن نباشد؛ زیرا خداوند، حضرت محمد(صلی الله علیه وآله) را نشانه ی قیامت و مژده دهنده ی بهشت و ترساننده از کیفر جهنم قرار داد. با شکمی گرسنه از دنیا رفت و با سلامت به آخرت قدم گذاشت. سنگی روی سنگ گذاشت (کاخ های مجلل نساخت) تا جهان را ترک گفت و دعوت پروردگارش را پذیرفت. چه منت بزرگی خداوند بر ما نهاد که نعمت وجود آن حضرت را به ما ارزانی داشت! رهبری پیشتاز که از او پیروی کنیم و پیشوایی که گام در جای گام او نهیم.

فصل سوم:

تحدیر از دنیای مذموم

یکی از موضوعات و عناصر موعظه ای نهج البلاغه، مسئله ی تحذیر و منع شدید از دنیاپرستی و تعلق به دنیاست. استاد شهید مرتضی مطهری (رحمهم الله) می فرماید: تأکید و اصرار فراوان و فوق العاده ای در مواعظ امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) درباره ی منع و تحذیر از دنیاپرستی به عمل آمده است و رهبران الهی و اندیشمندان تیزبینی همچون علی (علیه السلام) به خوبی درمی یابند که یکی از عوامل عمده ای که در طول تاریخ می تواند حتی موجبات سقوط انسان های بزرگ را فراهم نماید، مسئله ی حب دنیاست ؛ لذا با تشخیص درست نوع بیماری در زمان خود و تذکر برای آیندگان، که مبادا به دام دنیا بیفتند و اسیر و برده ی دنیا شوند، از سر دل سوزی نهیب و هشدار می دهند.

در این فصل با رعایت اختصار، برخی از سخنان آن حضرت را در این زمینه ذکر می کنیم و به جاست که قبل از ذکر کلمات نورانی امیر مؤمنان علی (علیه السلام)، توجه خوانندگان محترم را به سخن گهرباری از مقام معظم رهبری که خطاب به ظفرمندان میدان نبرد در هشت سال دفاع مقدس فرمود جلب می نماییم:

من بر شما خائفم و نگرانی من از شما بر یک امر ناشناخته نیست. نگرانی من برای شما از مسئله ی دنیاگرایی است.

۱. از جاذبه های فریبنده ی دنیا روی بگردانید.

حضرت علی (علیه السلام) در یکی از نامه های خویش خطاب به سلمان فارسی - رضوان الله تعالی علیه - می نویسد:

فَإِنَّمَا مَثَلُ الدُّنْيَا مَثَلُ الْحَيَّةِ لَئِن مَسَّهَا قَاتِلٌ سَمَّهَا فَأَعْرَضَ عَمَّا يُعْجِبُكَ فِيهَا لِقَلْبِهِ مَا يَصْحَبُكَ مِنْهَا وَ ضَعَّ عَنْكَ هُمُومَهَا لِمَا أُيْقِنْتَ بِهِ مِنْ فِرَاقِهَا وَ تَصَرَّفَ حَالَاتِهَا وَ كُنْ أَنْسَ مَا تَكُونُ بِهَا أُخْذَرَ مَا تَكُونُ مِنْهَا فَإِنَّ صَاحِبَهَا كُلَّمَا اطْمَأَنَّ فِيهَا إِلَى سُرُورِ أَشْخَصْتَهُ عَنْهُ إِلَى مَحْذُورٍ أَوْ إِلَى إِبْنِاسٍ أَزَالَتْهُ عَنْهُ إِلَى إِيْحَاشٍ ؛ پس، از جاذبه های فریبنده ی دنیا روی گردان، چرا که مدت کوتاهی در آن خواهی ماند؛ و اندوه آن را از سر بیرون کن، زیرا یقین به جدایی و دگرگونی حالات آن را داری و آنگاه که با دنیا انس گرفتی، بیش تر بترس ؛ زیرا دنیاپرست تا به خوش گذرانی اطمینان پیدا کرد، زود او را به تلخ کامی می کشاند و هر گاه به دنیا انس گرفت و آسوده شد، ناگاه به وحشت دچار می گردد.

۲. برق درخشنده ی دنیا چشمان شما را خیره نکند.

امام متقین و پارسایان که خطر دنیاگرایی و دنیاطلبی را به خوبی می شناسد خطاب به بشریت می فرماید:

وَ كُونُوا عَنِ الدُّنْيَا نُزَاهًا وَ إِلَى الْآخِرَةِ وُلَاهًا... وَ لَا تَشِيمُوا بَارْقِهَا وَ لَا تَسْمَعُوا نَاطِقَهَا وَ لَا تُجِيبُوا نَاعِقَهَا وَ لَا تَسْتَضِيئُوا بِإِشْرَاقِهَا وَ لَا تُفْتَنُوا بِأَغْلَاقِهَا فَإِنَّ بَرَقَهَا خَالِبٌ وَ نُطْقَهَا كَاذِبٌ وَ أَمْوَالُهَا مَحْرُوبَةٌ وَ أَغْلَاقُهَا مَسْئُوبَةٌ ؛ در برابر دنیا خویشتن دار و در برابر آخرت دل باخته باشید... برق درخشنده ی دنیا شما را خیره نکند و سخن ستاینده ی دنیا را نشنوید ؛ به دعوت کننده ی دنیا پاسخ ندهید و از تابش دنیا روشنایی نخواهید و فریفته ی کالاهای گران قدر دنیا نگردید. همانا برق دنیا بی فروغ و سخنش دروغ و اموالش به غارت رفتنی و کالاهای آن تاراج شدنی است.

۳. سفارش اکید امام(علیه السلام) به ترک دنیای حرام.

علی(علیه السلام) در سفارش بندگان خدا به ترک دنیا می فرماید:

عِبَادَ اللَّهِ أَوْصِيكُمْ بِالرَّفْضِ لِهَذِهِ الدُّنْيَا التَّارِكَةَ لَكُمْ وَ إِنْ لَمْ تُحِبُّوا تَرَكَّهَا وَ الْمُبْلِيَةَ لِأَجْسَامِكُمْ وَ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ تَجَدِيدَهَا فَإِنَّمَا مَثَلُكُمْ وَ مَثَلُهَا كَسَفَرٍ سَلَكَوا سَبِيلًا فَكَانَتْهُمْ قَدْ قَطَعُوهُ وَ أَمْوَالُهُمْ عِلْمًا فَكَانَتْهُمْ قَدْ بَلَغُوهُ ؛ ای بندگان خدا، شما را به ترک دنیا سفارش می کنم ؛ دنیایی که شما را رها می سازد، گر چه شما جدایی از آن را دوست ندارید ؛ دنیایی که بدن شما را کهنه و فرسوده می کند، با این که دوست دارید همواره تازه و پاکیزه بمانید. شما و دنیا به مسافرانی می مانید که تا گام در آن می نهند احساس می کنند که به پایان راه رسیده اند و تا قصد رسیدن به نشانی می کنند گویا بدان دست یافته اند؛ در حالی که تا رسیدن به هدف نهایی هنوز فاصله ی زیادی است.

۴. دنیا خود را در زینت غرور آرایش می دهد.

آن حضرت در خطبه ای دیگر پس از تحذیر مردم از دنیا، علت آن را نیز بیان می کند و می فرماید:

فَإِنِّي أُحْذِرُكُمْ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا حُلُوهٌ خَضِرَةٌ حُفَّتْ بِالشَّهَوَاتِ وَ تَحَبَّبَتْ بِالْعَاجِلَةِ وَ رَاقَتْ بِالْقَلِيلِ وَ تَحَلَّتْ بِالْأَمْوَالِ وَ تَزَيَّنَتْ بِالْغُرُورِ لَأَنَّ تَدْوِمَ حَبْرَتِهَا وَ لَا تَوْمَنُ فَجَعَلَتْهَا ؛ همانا من شما را از دنیا می ترسانم ؛

زیرا دنیا [در کام انسان] شیرین و [در دیده ی انسان] سبز است و در شهوات و خواهش های نفسانی پوشیده شده است و با نعمت های زودگذر، دوستی می‌ورزد و با متاع اندک، زیبا جلوه می‌کند و در لباس آرزوها خود را نشان می‌دهد و با زینت غرور خود را می‌آراید ؛ شادی آن دوام ندارد و کسی از اندوه آن ایمن نیست.

۵. دنیا خانه ای است که پایه های آن فرو ریخته است.

وَ أَحْذَرُكُمْ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا مَنْزِلُ قُلْعَةٍ وَ لَيْسَتْ بِدَارٍ نُجْعَةُ قَدْ تَزَيَّنَتْ بِغُرُورِهَا وَ عَرَّتْ بِزِينَتِهَا دَارَهَا هَانَتْ عَلَى رَبِّهَا فَخَلَطَ حَلَالُهَا بِحَرَامِهَا وَ خَيْرُهَا بِشَرِّهَا وَ حَيَاتُهَا بِمَوْتِهَا وَ حُلُوهَا بِمُرِّهَا ؛ من شما را از دنیای حرام بر حذر می‌دارم ؛ زیرا دنیا منزلگاهی است برای کوچ کردن، نه منزلی برای همیشه ماندن. دنیا خود را با غرور زینت کرده و با زینت و زیبایی می‌فریبد. خانه ای است که نزد خدای متعال، بی مقدار و بی ارزش است ؛ چرا که حلال آن با حرام و خوبی آن با بدی و زندگی در آن با مرگ و شیرینی آن با تلخی ها آمیخته است.

و در ادامه می‌فرماید:

خَيْرُهَا زَهِيدٌ وَ شَرُّهَا عَنِيْدٌ وَ جَمْعُهَا يَنْفَدُ وَ مُلْكُهَا يُسْلَبُ وَ عَامِرُهَا يَخْرَبُ فَمَا خَيْرُ دَارٍ تُنْقَضُ نَقْضَ الْبِنَاءِ وَ عُمْرُ يَفْنَى فِيهَا فَنَاءَ الزَّادِ وَ مِدَّةُ تَنْقَطِعُ انْقِطَاعَ السَّيْرِ ؛ خیر دنیا اندک و شر آن آماده و فراهم، جمعش پراکنده و نابودشدنی و ملک و امارت آن غارت شده و آبادانی اش رو به ویرانی نهاده است. چه ارزشی دارد خانه ای که پایه های آن در حال فرو ریختن است و عمر آن چون زاد و توشه پایان می‌پذیرد و چه لذتی دارد زندگانی ای که چون مدت سفر به آخر می‌رسد!

به قول خیام:

آن قصر که جمشید در او جای گرفت *** آهو بچه کرد و روبه آرام گرفت

بهرام که گور می‌گرفتی همه عمر *** دیدی که چگونه گور بهرام گرفت

این است راز و رمز این که آن زاهد آزادمرد جهان، علی (علیه السلام) این همه ما را از دنیاگرایی منع فرموده است که مبدا آدمی خود را به دنیایی فانی و زودگذر مشغول کند و آن را بر همه چیز مقدم بدارد و از جهان آخرت که سرای ابدی و جاوید است و به تعبیر قرآن کریم، همه اش حیات است باز بماند و از رحمت پروردگار متعال در جهان آخرت محروم شود.

۶. دنیا جایگاه کدورت ها و سختی هاست.

امام (علیه السلام) در فراز دیگر از خطبه هایش چنین می‌فرماید:

وَ أَحْذَرُكُمْ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا دَارُ شُحُوصٍ وَ مَحَلَّةٌ تَنْغِيصُ سَاكِنِيهَا ظَاعِنٌ وَ قَاطِنُهَا بَائِنٌ ؛ شما را از دنیا بر حذر می‌دارم ؛ زیرا دنیا سرای کوچیدن و جایگاه کدورت و سختی است، ساکن در آن بار سفر برمی‌بندد و مقیمش از آن جدا می‌شود.

۷. بکوشید از فرزندان آخرت باشید.

امام(علیه السلام) در کلامی زیبا ضمن منع از گرایش به دنیا، توصیه می کند که از فرزندان آخرت باشید نه از فرزندان دنیا:

أَلَا وَإِنَّ الدُّنْيَا قَدْ وُكِّتَ حَدَاءَ فَلَمْ يَبْقَ مِنْهَا إِلَّا صُبَابُهُ كَصُوبَةِ الْإِنَاءِ اصْطَبَّهَا صَابُهَا أَلَا وَإِنَّ الْآخِرَةَ قَدْ أُقْبِلَتْ وَلِكُلِّ مِنْهُمَا بَنُونَ فَكُونُوا مِنْ أَوْلَادِ الْآخِرَةِ وَلَا تَكُونُوا مِنْ أَوْلَادِ الدُّنْيَا فَإِنَّ كُلَّ وَكْدٍ سَيُلْحَقُ بِأَبِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَإِنَّ الْيَوْمَ عَمَلٌ وَلَا حِسَابَ وَلَا عَدَا حِسَابٍ وَلَا عَمَلَ ; ای مردم، آگاه باشید دنیا به شما پشت کرده و از آن جز ته مانده ی ظرف آبی که آن را خالی کرده باشند نمانده است. هوشیار باشید که آخرت به سوی ما می آید و هر یک از دنیا و آخرت فرزندان دارند ; پس بکوشید از فرزندان آخرت باشید نه فرزندان دنیا ; زیرا در روز قیامت هر فرزندی به پدر و مادر خویش بازمی گردد، امروز هنگام عمل است، نه حساب رسی و فردا روز حساب رسی است، نه عمل.

۸. دنیای حيله گر و نیرنگ باز را رها کنید.

امام المتقین و يعسوب المؤمنین علی(علیه السلام) در نهج البلاغه خطاب به ما انسان ها که ابنای این جهانیم می فرماید: «فَاخْذَرُوا الدُّنْيَا» از دنیا حذر و دوری کنید و دل به دنیای فانی نبندید که ارزش دل بستن ندارد و انسان را از یاد خدا غافل می کند. پس باید نسبت به دنیا زاهد باشیم. و همانند زاهدان، ذکر خدا را به جای دنیا برگزینیم و هیچ امری از امور دنیا (تجارت، خرید و فروش و...) ما را از یاد خدا باز ندارد.

امام در بیان علت تحذیر و این که چرا نباید یک انسان واقعی به دنیا دل ببندد و آن را هدف و مقصود خود قرار دهد می فرماید:

فَإِنَّهَا عِدَارَةٌ غَرَارَةٌ خَدْوَعٌ مُعْطِيَةٌ مُنَوِّعٌ مُلْبِسَةٌ نَزْوَعٌ لَا يَدُومُ رِخَاؤُهَا وَلَا يَنْقَضِي عَنَاؤُهَا وَلَا يَرْكُدُ بَلَاؤُهَا ; دنیا حيله گر، فریبنده و نیرنگ باز است ; بخشنده ای باز پس گیرنده و پوشاننده ای برهنه کننده است ; آسایش دنیا بی دوام و سختی هایش بی پایان و بلاهایش دایمی است.

۹. هیچ گاه برای دنیا تأسف نخورید.

امام علی(علیه السلام) پس از آن که فرق سرش به شمشیر ابن ملجم مرادی - لعنه الله - شکافته و محاسن شریفش به خون سرش خضاب شد، در وصیت به امام حسن و امام حسین(علیهم السلام) چنین فرمود:

أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ أَلَا تَبْغِي الدُّنْيَا وَإِنْ بَعَثْتُكُمْ وَلَا تَأْسَفَا عَلَى شَيْءٍ مِنْهَا زُوِيَ عَنْكُمْ ; ای حسن و ای حسین، شما را به ترس از خدا سفارش می کنم و در طلب دنیا بر نیابید اگر چه دنیا به سراغ شما بیاید ; و از آنچه از دنیا از دست می دهید اندوهناک نشوید.

چه این که خود مولی الموحدين(علیه السلام) فرمودند:

الزُّهْدُ كُلُّهُ بَيْنَ كَلِمَتَيْنِ مِنَ الْقُرْآنِ قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ (لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ). انسان زاهد و وارسته از دنیا کسی است که برای از دست دادن مال دنیا تأسف نمی خورد و آنچه از مال دنیا به او داده شود خوشحال نمی شود «و این یعنی به تقسیم رزق و روزی خدای سبحان راضی و قانع بودن». آنچه در این وصیت به چشم می خورد این است که امام علی (علیه السلام) در صدر وصایای خود با حسنین (علیهما السلام) مسئله ی منع از دنیا را مطرح می کنند و این نشان می دهد که چقدر مسئله ی دنیاگرایی می تواند انسان را از پیمودن راه سعادت و کمال باز دارد تا جایی که قرآن کریم دل بستگی به دنیا را هم ردیف کفر قرار داده است: (وَ وَيْلٌ لِّلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَىٰ الْآخِرَةِ). طبق این بیان، کافران کسانی هستند که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح می دهند و در سر دوراهی خواسته های دنیوی و اخروی، خواسته های دنیا را برمی گزینند.

فصل چهارم:

نشانه های دنیادوستی

آثار و پیامدهای دنیادوستی

بدون تردید، علاقه و دل بستگی انسان به هر چیز، اعم از امور مقدس و متعالی یا امور نامقدس و پست، آثاری را بر جوانح و جوارح انسان بر جای می‌گذارد که در اندیشه و رفتار انسان ظهور می‌یابد؛ همچنان که محبت الهی قلب‌ها را نرم و مهربان و رفتارها را زیبا و دلنشین می‌کند، محبت به دنیا و مظاهر مختلف آن، قلب‌ها را سرشار از قساوت و رفتارها را ناهنجار و نامتعادل می‌سازد. طبیعی است دنیایی که در کلمات آن حضرت «سوق الخسران»، «مصرع العقول»، «مزرعه الشر»، «محل الغرور»، و «منیة الأشقیاء»، نامیده شده است آثار ویرانگری را بر روح و دل انسان بر جای گذارد که او حتی نسبت به آفریدگار و منعم حقیقی خود نیز ناسپاس باشد. اینک بخشی از کلمات گهربار امام علی (علیه السلام) را درباره ی آثار و پیامدهای منفی دنیای مذموم ذکر می‌کنیم:

۱. حب دنیا، قلب‌ها و جان‌ها را گرفتار خود می‌کند.

امام علی (علیه السلام) در سخنانش که به تعبیر علما «کلام فوق کلام المخلوق و دون کلام الخالق» است، سه اثر بزرگ دنیادوستی را این گونه بیان می‌فرماید:

مَنْ لَهَجَ قَلْبُهُ بِحُبِّ الدُّنْيَا أَتَاطَ قَلْبُهُ مِنْهَا بِثَلَاثٍ: هَمٌّ لَا يُعْبَهُ وَ حِرْصٌ لَا يَتْرُكُهُ وَ أَمَلٌ لَا يُدْرِكُهُ ; کسی که دلش غرق دنیادوستی شد و قلبش با دنیادوستی پیوند خورد، همواره جاننش گرفتار سه مشکل است: اندوهی که او را رها نسازد، حرصی که از او دست برندارد و آرزویی که به آن نرسد.

۲. نتیجه ی آبادی دنیا، خرابی آخرت است.

امام(علیه السلام) در نامه ای که به منذر بن جارود عبدی می نویسد، یکی از پیامدهای شوم دنیاپرستی را خراب و نابود کردن آخرت می داند و می فرماید:

تَعْمُرُ دُنْيَاكَ بِخَرَابِ آخِرَتِكَ ؛ ای منذر، دنیای خود را با تباه کردن آخرت آباد کردی.

معلوم می شود که یکی از پیامدهای شوم دنیاگرایی و دنیا دوستی، بی توجهی به جهان آخرت است و محب دنیا به جای این که از همین دنیا زاد و توشه برای سفر آخرت خود مهیا سازد، از جهان آخرت غافل و سرگرم جاذبه های زودگذر دنیا می شود. این است که امیر مؤمنان(علیه السلام) به ابن جارود عبدی هشدار می دهد که مبادا آخرت را با عمران و آبادانی دنیا خراب کنی. پس بر سالک طریق هدایت است که به این نکته توجه کند که به دنیا به قدر کفاف توجه کند و از فزون خواهی نسبت به دنیا بپرهیزد.

۳. حب دنیا، موجب کوری و کوری دل می شود.

در حدیثی از امیر مؤمنان علی(علیه السلام) نقل شده است که آن حضرت پس از سفارش به ترک دنیا پیامدهای حب دنیا را بیان کردند و فرمودند:

فَأَنَّ حُبَّ الدُّنْيَا يُعْمِي وَيُصِمُّ وَيُبْكِمُ وَيُدُلُّ الرَّقَابَ ؛ دنیا دوستی انسان را کور، کر، لال و خوار می سازد.

واضح است که یکی از راه های شناخت و کسب معرفت و ابزار معرفت های تجربی، چشم و گوش است و کور و کر از شناخت عالم هستی بی بهره خواهد بود. خدای متعال در قرآن کریم در این باره می فرماید:

(لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ) ؛ آنها (دوزخیان) قلب هایی دارند که با آن درک و اندیشه نمی کنند ؛ چشم هایی دارند که با آنها چهره ی حقایق را نمی نگرند ؛ گوش هایی دارند که سخن حق را نمی شنوند. این ها در حقیقت هم چون چهارپایان هستند (چرا که امتیاز آدمی از چهارپایان در فکر بیدار و چشم بینا و گوش شنواست، که متأسفانه آنها از دست داده اند)، بلکه آنها از چهارپایان گمراه ترند ؛ چه این که چهارپایان دارای این استعدادها و امکانات نیستند و انسان ها با داشتن این استعدادها و امکانات و ابزار معرفت و شناخت اگر نتوانند حقایق را درک کنند حقیقتاً غافل و بی خبر هستند و دنیاگرایی، این ابزار شناخت را از کار می اندازد و انسان را در زمره ی حیوانات، بلکه به مراتب پست تر از آن و به ورطه ی سقوط و هلاکت می کشاند.

۴. دنیا دوستی موجب ذلت است.

الدُّنْيَا تَذِلُّ وَ تُسَلِّمُ ؛ دنیا انسان را ذلیل و تسلیم خود می کند.

۵. دنیا دوستی ریشه ی همه ی فتنه ها و گرفتاری هاست.

حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ الْفِتَنِ وَ أَصْلُ الْمِحَنِ.

۶. دنیا دوستی موجب افزایش حسرت ها می شود.

مَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا هِمَّتَهُ أَشْتَدَّتْ حَسْرَتُهُ عِنْدَ فِرَاقِهَا.

۷. دنیا دوستی موجب نترسیدن از آخرت می گردد.

مَنْ أَحَبَّ الدُّنْيَا ذَهَبَ خَوْفَ الْآخِرَةِ مِنْ قَلْبِهِ.

۸. دنیا دوستی سبب افزایش طمع می گردد.

حُبُّ الدُّنْيَا يُوجِبُ الطَّمَعَ.

سیمای اهل دنیا و اهل آخرت

حضرت علی (علیه السلام) در فرازهای زیبایی از خطبه ها و نامه های گهربارشان با ارائه ی سیمای دنیاپرستان و زاهدان، میزان تقابل و تضاد این دو طیف را در اندیشه و عمل کاملاً روشن می کنند. امام علی (علیه السلام) در نامه ای به فرزند گرامی اش، امام حسن (علیه السلام)، اندیشه و عمل اهل دنیا و آخرت را این گونه تشبیه می کند:

إِنَّمَا مَثَلُ مَنْ خَبَرَ الدُّنْيَا كَمَثَلِ قَوْمٍ سَفَرُوا نَبَا بِهِمْ مَنْزِلٌ جَدِيدٌ فَأَمُّوا مَنْزِلًا خَصِيْبًا وَ جَنَابًا مَرِيْعًا فَاحْتَمَلُوا وَعَثَاءَ الطَّرِيقِ وَ فِرَاقَ الصَّدِيقِ وَ خَشْوَةَ السَّفَرِ وَ جَشْوَةَ الْمَطْعَمِ لِيَأْتُوا سَعَةَ دَارِهِمْ وَ مَنْزِلَ قَرَارِهِمْ فَلَيْسَ يَجِدُونَ لَشَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ أَلْمًا وَ لَا يَرَوْنَ نَفَقَةً فِيهِ مَغْرَمًا وَ لَا شَيْءَ أَحَبُّ إِلَيْهِمْ مِمَّا قَرَّبَهُمْ مِنْ مَنْزِلِهِمْ وَ أَذْنَاهُمْ مِنْ مَحَلَّتِهِمْ وَ مَثَلُ مَنْ اغْتَرَّ بِهَا كَمَثَلِ قَوْمٍ كَانُوا بِمَنْزِلٍ خَصِيْبٍ فَنَبَا بِهِمْ إِلَى مَنْزِلٍ جَدِيدٍ فَلَيْسَ شَيْءٌ أَكْرَهَ إِلَيْهِمْ وَ لَا أَفْطَحَ عِنْدَهُمْ مِنْ مُفَارَقَتِهِ مَا كَانُوا فِيهِ إِلَى مَا يَهْجُمُونَ عَلَيْهِ وَ يَصِيرُونَ إِلَيْهِ؛ همانا داستان آن کس که دنیا را آزموود، چونان مسافرانی است که در سرمنزلی بی آب و علف و دشوار اقامت دارند و قصد کوچ کردن به سرزمینی را دارند که در آنجا آسایش و رفاه فراهم است. پس مشکلات راه را تحمل می کنند و جدایی دوستان را می پذیرند و سختی سفر و ناگواری غذا را با جان و دل قبول می کنند، تا به جایگاه وسیع و منزلگاه امن، با آرامش قدم بگذارند و از تمام سختی های طول سفر احساس ناراحتی ندارند و هزینه های مصرف شده را گرامت نمی شمارند و هیچ چیز برای آنان دوست داشتنی نیست، جز آن که به منزل امن و محل آرامش برسند. اما داستان دنیاپرستان، همانند گروهی است که از جایگاهی پر از نعمت ها می خواهند به سرزمینی خشک و بی آب و علف کوچ کنند، پس در نظر آنان چیزی ناراحت کننده تر از این نیست که از جایگاه خود جدا می شوند و ناراحتی را باید تحمل کنند.

سپس در ادامه ی همان نامه، ویژگی های دنیاپرستان را بیان می کند و می فرماید:

فَإِنَّمَا أَهْلُهَا كِلَابٌ غَاوِيَةٌ وَ سِبَاعٌ ضَارِيَةٌ يَهْرُبُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ وَ يَأْكُلُ غَزِيضَهَا ذَلِيلَهَا وَ يَقَهْرُ كَبِيرُهَا صَغِيرَهَا نَعْمَ مُعَقَّلَةٌ وَ أُخْرَى مُهْمَلَةٌ قَدْ أَضَلَّتْ غُفُولَهَا وَ رَكِبَتْ مَجْهُولَهَا سُرُوحٌ غَاهَهُ بَوَادٍ وَعَثَ آيِسٌ لَهَا رَاعٌ يُقِيمُهَا وَ لَا مُسِيمٌ يُسِيمُهَا سَلَكَتْ بِهِمُ الدُّنْيَا طَرِيقَ الْعَمَى وَ أَخَذَتْ بِأَبْصَارِهِمْ عَنْ مَنَارِ الْهُدَى فَتَاهُوا فِي حَيْرَتِهَا وَ غَرِقُوا فِي نِعْمَتِهَا وَ اتَّخَذُوهَا رَبًّا فَلَعِبَتْ بِهِمْ وَ لَعِبُوا بِهَا ; همانا دنیا پرستان، چونان سگ های درنده، عوعو کنان، برای دریدن صید در شتاب اند ؛ برخی به برخی دیگر هجوم آورند، و نیرومندشان ناتوان را می خورد، و بزرگ ترها کوچک ترها را ؛ و یا چونان شترانی هستند که برخی از آنها پای بسته و برخی دیگر در بیابان رها شده اند که راه، گم کرده و در جاده های نامعلومی در حرکت اند و در وادی پر از آفت ها و در شنزاری که حرکت با کندی صورت می گیرد گرفتارند ؛ نه چوپانی دارند که به کارشان برسد و نه چراننده ای که به چراگاهشان ببرد. دنیا آنها را به راه کوری کشانده و دیدگانشان را از چراغ هدایت پوشانده است، در بیراهه سرگردان و در نعمت ها غرق شده اند، که نعمت ها را پروردگار خود قرار دادند. هم دنیا آنها را به بازی گرفته و هم آنها با دنیا به بازی پرداخته اند و آخرت را فراموش کرده اند.

آن حضرت در خطبه ای دیگر، پس از آن که از انسان های بزرگ و پاکباخته یاد می کند، سیمای دنیاپرستان را توصیف می نماید:

أَيْنَ الْعُقُولُ الْمُسْتَضْبِحَةُ بِمَصَابِيحِ الْهُدَى وَالْأَبْصَارُ اللَّامِحَةُ إِلَى مَنَارِ التَّقْوَى أَيْنَ الْقُلُوبُ الَّتِي وَهَبَتْ لِلَّهِ وَ عَوَّقَدَتْ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ اِزْدَحَمُوا عَلَى الْحُطَامِ وَ تَشَاخَوْا عَلَى الْحَرَامِ وَ رَفَعَ لَهُمْ عِلْمَ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ فَصَرَفُوا عَنِ الْجَنَّةِ وَجُوهَهُمْ وَ أَقْبَلُوا إِلَى النَّارِ بِأَعْمَالِهِمْ وَ دَعَاهُمْ رَبُّهُمْ فَفَنَفَرُوا وَ وُلَّوْا وَ دَعَاهُمْ الشَّيْطَانُ فَاسْتَجَابُوا وَ أَقْبَلُوا ; کجایند عقل های روشنی خواه از چراغ هدایت و چشم های دوخته شده بر نشانه های پرهیزگاری؟ کجایند دل های به خدا پیش کش شده و در اطاعت خدا پیمان بسته؟ افسوس که دنیاپرستان بر متاع پست دنیا برای کسب حرام یورش آوردند و یکدیگر را پس زدند؛ نشانه ی بهشت و جهنم برای آنها برافراشته است، اما از بهشت روی گردان و با کردار زشت خود به طرف آتش روی آورند، پروردگارشان آنان را فراخواند، اما پشت کرده، فرار کردند ؛ و شیطان آنان را دعوت کرد، پذیرفتند و به سوی او شتابان حرکت کردند.

امام(علیه السلام) در ارائه ی سیمای اهل آخرت و زاهدان، ضمن بیان برخوردارانی زاهدان از نعمت های دنیا، از روح متعالی آنان سخن می گوید و می فرماید:

فَشَارَكُوا أَهْلَ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ وَ لَمْ يُشَارِكُوا أَهْلَ الدُّنْيَا فِي آخِرَتِهِمْ سَكَنُوا الدُّنْيَا بِأَفْضَلِ مَا سَكِنَتْ وَ أَكَلُوا بِأَفْضَلِ مَا أَكَلَتْ فَحَظُّوا مِنَ الدُّنْيَا بِمَا حَظِيَ بِهِ الْمُتْرَفُونَ وَ أَخَذُوا مِنْهَا مَا أَخَذَهُ الْجَبَابِرَةُ الْمُتَكَبِّرُونَ ثُمَّ انْقَلَبُوا عَنْهَا بِالزَّادِ الْمُبْلَغِ وَ الْمَتَجَرِّ الرَّابِحِ أَصَابُوا لَذَّةَ زُهْدِ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ وَ تَيَقَّنُوا أَنََّّهُمْ جِيرَانُ اللَّهِ غَدًا فِي آخِرَتِهِمْ ; با مردم دنیا در دنیاشان شریک گشتند، اما مردم دنیا در آخرت آنها

شرکت نکردند. پرهیزکاران در بهترین خانه های دنیا سکونت کردند و بهترین خوراک های دنیا را خوردند و همان لذت هایی را چشیدند که دنیا داران چشیده بودند و از دنیا بهره گرفتند، آن گونه که سرکشان و متکبران از دنیا بهره مند بودند ؛ سپس از این جهان با زاد و توشه ی فراوان و تجارتی پرسود به سوی آخرت شتافتند ؛ لذت پارسایی در ترک حرام دنیا را چشیدند و یقین داشتند در روز قیامت از همسایگان خدایند.

در نهایت، آن حضرت(علیه السلام) اندرز جاودانه ی خود را برای نجات از دنیای نکوهیده بدین گونه عرضه می کند و می فرماید:

فَبَادِرُوا الْعَمَلَ وَ خَافُوا بَعْثَةَ الْأَجَلِ فَإِنَّهُ لَا يُرْجَى مِنْ رَجْعَةِ الْعُمْرِ مَا يُرْجَى مِنْ رَجْعَةِ الرِّزْقِ مَا فَاتَ الْيَوْمَ مِنَ الرِّزْقِ رُجِيَّ غَدًا زِيَادَتُهُ وَ مَا فَاتَ أُمْسٍ مِنَ الْعُمْرِ لَمْ يُرْجَ الْيَوْمَ رَجْعَتُهُ الرَّجَاءُ مَعَ الْجَائِي وَ الْيَأْسُ مَعَ الْمَاضِي ؛ پس در اعمال نیکو شتاب کنید و از فرا رسیدن مرگ ناگهانی بترسید ؛ زیرا آنچه از روزی از دست رفته، امید بازگشت آن وجود دارد، اما عمر گذشته را نمی شود بازگرداند، آنچه امروز از بهره ی دنیا کم شده می توان فردا به دست آورد، اما آنچه دیروز از عمر گذشته، امید به بازگشت آن نیست؛ به آینده امیدوار و از گذشته ناامید باشید.